

پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب
مسلحانه خلق فلسطین را
هر چه باشکوه تر برگزار کنیم!
(اول زانوه یاردهم دیماه)



آقای بازرگان! جاسوس بعدی، کدامیک از دوستان "پاک" شما است؟!

های اغلاسی مطرح میگردند. برای مسردم
وین خودوما هند: نهاد کابینه بازرگان مانند
بردی ها... حرا آنها، مدنی ها و... با محدود
زیادی روزه است.
وین سروهای اغلاسی میهره های دولت
بازرگان را اما میگردند، وی عمل آنها را
کارکنی و حوالای حرج دولت گذاشتن
نفسه در صفحه ۱۸

مردور را در دستور کار خود قرار دادند. ما آنها
سرسکار نیستند و با اسفاده از ادب و
بلوسری و دیگر ترسهای کروهی و دریا سید
سوم و سا آکا هی بوده ها. آنچه که خود بوده
به سروهای اغلاسی سب دادند و مردم را غله
آنها سنج کردند.
امروز با کدست سر را ۱۰ ماهه را تمام
جوسن بهمن ماه، سای ارجحانی کدسترو -

بعدار تمام سورا های واقعی که در محله های
پهروروستا، در کارخانه ها، در سورا خانه ها، در
ادارات و... بسکل خده بود، منحل دوسندرت
دست فرمت ظنان و خانشی افتاد که سا
سینما در خدمت اسرا لیسها بود و سورا
سینم مام آنها را ساداری میگردند.
ا برمدای بعدار تمام سروهای مرفی،
محموی اغلاسون کمونس افاسی اس عناصر

شیوه برخورد چریکهای فدائی خلق با مبارزات کارگران بیکار تهران

بعدی بر معالده "کوسومس" و آرا رسم در حرات خانه
دس اندولی در عمل دست همدگر را می سازند
کار شمارد ۲۷

نولوریک طغدا رکرو "صورت" سود حساب
افصادی سکا را ن سا نما زده ها سربا لیس
بوده "بسته های مفی حرکات" کارگران سگار
تحت سراسی - اندولوزیک کروهها سی
نطرسکا روا سا لپم و کروه: سرت دهفا سی
برجورد سمانند

نفسه در صفحه ۲

رفعی فدائی در سرت کار شمارد ۲۷ طی
معالده ای، سنوان "کوسومس" و آرا رسم
در حرات هم دس اندولی در عمل دست هم -
دیگر را می سازند "مانتی را در اسطفا ناخص
کارگران سکا در دورار کار مطرح ساخته اند.
در اس معالده رفعی فدائی ظا هرا حواسده اند
ساکنه روی صورت شکل و آکا هی ساسی اند -



- مسجد سلیمان
 - اعتصاب در شرکت "پوسیزون"
 - سوشر
 - اعتصاب در سازمان آب تصفیه
 - اهواز
 - مبارزه کارگران شرکت "ایران دارسل"
 - و همبستگی آنها با کارگران گسترش مسکن
 - در حضور ۳۰۰۰ نفر کارگران و کارمندان
 - "حوا" اسنادار گیلان استیضاح شد!
- صفحه ۳

یزدی: دزدی که "امین قافله" میشود

را عهده دار شده است. کسی که اساد در زسم
گذشته در سفارت ایران در آمریکا را در دیدا (۲)
کسی که همدست و همکار سزدیک بازرگان در مذا -
کره سرتزسکی ورد و سندا آمریکا بود و سورا لاره
کسی که سوما سمان سنوان یکی از چهره های
اصلی دولت خاستکار بازرگان تمام تلاش خود
را برای حفظ سلطه امپریالیسم سکا سرتد ۰۰۰۰
نفسه در صفحه ۲

جدی نیش دگر سرتدی و سرتاق اسور
خارجه، از طرف آبا الله خمینی ما موروسیدکی
نهنگا با مردم اسانها اند. اس خریقیسیا
در دهن سساری از مردم اس سوال را سوجسو د
آورده که چرایزدی، اس حاسی مستقم منافع
آمریکا، حافظ فرار زده های اسارت با را میر -
سالیستی (۱) و مجری فرار داد ۲/۵ میلیار د
دلاری خریده سلطه از آمریکا جنس ما موروسی



- دهقانان روانسرتدستان:
 - برادران دهقان متحد شویم!
 - شور انقلابی ضد فئودالی عشایر
(فارس) را فرا گرفته است
- صفحه ۷
- جنبش ملی
 - سرتزاری مراسم ۱۶ آذر در مازندران
 - ریشه های بحران مسکن در ایران (۴)
- صفحه ۶
صفحه ۸
صفحه ۱۱

چمران با اخراج کادرهای مبارز و مترقی از ارتش خواست اربابان آمریکایی اش را به اجرا در میاورد

جاشی که سا واکبها، صداطلا سنیهای سابق کسانیه که کشتا رتوده های منا زبر بردا ختند
وکسانی که روابط سری خود با امپریالیست ها را سنیها حفظ کرده، بلکه نقیبت هم
کرده اند در اس کارها فرار دارند و مشمول "تعدیل" و تمغیه قرار نمی گیرند معلوم است
که چه کسانیه از ارتش اخراج خواهند کرد.

صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ شیوه برخورد...

رفقای فدائی مدعی هستند که "اکنون - میبایست خط ۳ از آنجا که همواره جنبه اقتصادی مبارزه کارگران را در مدنظر دارد و از همه جنبه های مبارزه کارگران به مبارزه اقتصادی آنها بطور مشخص و به مبارزه سیاسی آنها بطور مجردی پرداخت کند، خواهان تحمیل کارگران بودند، جالب توجه است که این دو گروه (منظور گروه های خط ۳ و گروه اشرف دهقانی است) یکی با تفکرات کونومبستی و دیگری با تفکرات نازیستی در این مورد به روش مشابهی می رسند. هر دو این گروه موفق شدند که کارگران بیکار را در آن مقطع از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی جاری، دور کرده و بیگانگی کارگران بیکار را از سیاست بردارند" (بنتقال از مقاله فوق - الذکر).

ما قبل از اینکه به مسئله تحمیل کارگران بیکار و بررسی موضع رفقای فدائی و خودمان درباره آن بپردازیم، خوبست ببینیم رفقای فدائی که خواستار بریدن آگاهی سیاسی معیان طبقه و به اصطلاح طرفدار مبارزه سیاسی بطور مشخص هستند می خواهند کدام سیاست و کدام آگاهی سیاسی را بمعیان کارگران بپردازند.

رفقا معتقدند که: "خرده بورژوازی بنا بر مابیت دوگانه نوسوانی خویش و خصلت تنگ - نظراتش همه شرایط لازم را دارا دارد که از مسیر اصلی مبارزه منحرف شود. زمانی که توده های خرده بورژوازی و جناح نیایی آن در حاکمیت در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها (!؟) درگیر است و بطور طبیعی انتظار برای فعال و نامحدود پیرو لاتیاری را در این شرایط ندارد و وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند. زمانیکه چنین حمایتی نمی شود، بطور طبیعی کارگران نا - آگاه را متهم به آمریکا شدن میکنند."

رفقای عزیز! کارگران ما، ما هم هست که مبارزه ضد امپریالیستی می کنند، لیکن با این وجود با هم آنها را متهم به آمریکا شدن می - کنند! با این دلیل ساده که آنها (هیئت حاکمه) با زدن مارک آمریکا، کمونیست، اخلاکگر و نه فقط با متهم کردن، بلکه با بکار بردن اسلحه و زور در مقابل کارگران سعی دارند مبارزه ضد امپریالیستی کارگران را در نقطه خفه کنند. مسلم است که اگر کارگران دنیا له روسیاست هیئت حاکمه شوند، و اگر از وی حمایت کنند و از مبارزه واقعا ضد امپریالیستی دست بردارند هیچ وقت به آمریکا شدن هم متهم نمی - شوند. شما کارگران نا آگاه را از آنهام به آمریکا شدن می ترسانید، درحالیکه همین کارگران به اصطلاح نا آگاه با مبارزه ضد خود ثابت کرده اند که این آنها هستند که در این مبارزه ضد امپریالیستی خلفای ما قرار دارند. بگذار هیئت حاکمه کارگران ما را به آمریکا شدن متهم کنند، لیکن کارگران ما ملت دست بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱ بزدی ...

اکنون چنین عنصری ما مورسیدگی به تنگاتنگ و درد دل های مردم گشته است! آنها با گرفتن رای اعتماد از آیت الله خمینی، پس آنهمه توپ و تشرایف جمهوری اسلامی و دیگر جناح های هیئت حاکمه به بزدی و با زرگان و امثالهم چه شد؟ لابد در "قحط الرجال" هیئت حاکمه کسی بهتر از او پیدا نمی شود!

این بیخ و خه و بده بستانها در هیئت حاکمه چه چیز را نشان میدهد؟ جز اینکه تضاد میان مواضع سیاست جناحها و عناصر درون هیئت حاکمه تا آنجا بروز میکند که مناقع اصلی و مشترک همه آنها حفظ گردد. منافعی که تمام جناح های هیئت حاکمه را با تمام نفاذها نشان مثل زنجیری بهم متصل کرده و در برابر خلق قرار میدهد. این زنجیر هیچ قیمتی نتواند گسسته شود. اگر زمانی سیاستها و شیوه های بزدی با روشی از جناح خرده بورژوازی در هیئت حاکمه منطبق نمی گردد (که این عدم انطباقی نیز معمولاً زمانی بروز میکند که هیئت حاکمه تحت فشار شدید جنبش انقلابی مردم واقع شود) باید بلافاصله به چاره جوشی پرداخت و از یک راه دیگر بهره های "ارزنده" ای چون بزدی را که کارآیی و توانائی اش در مانورهای خائنانانه، مورد نیاز است، حفظ نمود. اگر در یک حابه "حاکمیت مقدس" بزدی و با زرگان توهین میشود، در جای دیگر برای رفع هرگونه توهینها هم باید از بنیان اعاده حیثیت بعمل آید و اینجاست که با فرمان آیت الله خمینی و اعلام اینکه بزدی مورد اعتماد است وی دوباره از ظرف هیئت حاکمه غفلت تعمیدی می باید. اگر بزدی به همراه با زرگان از منتهای خویش برکنار میشوند، لازمست مجدداً در موضعی خاص قرار گیرند تا اعتبار از دست رفته بورژوازی خیانگسار و وابسته به امپریالیسم در برابر مردم بدست

(۱) - البته بزدی و دروز قبل از استعفای خود قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا را لغو میکند، به این امید که آبروی از دست رفته خود و هیئت حاکمه را بخرد. اما اگر بخنجر نواز است با اخلال ساواک آبروشی دست و پا کند اینها نیز میتوانند.

(۲) - در اوائل بهمن ماه ۵۷، زمانیکه آیت الله خمینی درباریس بود و پس از آنکه دانشجو - یان ایرانی سفارت های شاه را در کشورهای مختلف تصرف میکردند، بزدی هیئتی را برای سرپرستی سفارت ایران در واشنگتن تشکیل داد. در این هیئت تهرانی روحانی قرار داشت که یکی از بستگان نزدیک بزدی و از افراد با نداد در آمریکا است. در این هیئت یکی دیگر از اعضا با نام وینام دکتر تجلیل فزایی نیز شرکت داشت که هم اکنون یکی از فراد مسئول در "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" است. هیئت مزبور که با نا شیدا آیت الله خمینی به سرپرستی سفارت ایران در آمریکا - نامشعین سفیر - مشغول بوده است بسیار مهمی در روابط

آید. مخصوصاً بزدی این سرپرده سیاستهای امپریالیستی ما مورسیدگی به خواستهای مردم میشود تا احتمالاً با یکسری اصلاحات - اصلاحات - تا جایی که برای رژیم مکان داشته باشد - محبوبیتی دست و پا کند. همین سیاست در مورد هیئتی یکی دیگر از اعضای امپریالیسم در رژیم جمهوری اسلامی پیاده میشود. این شخص

● "انظر آقای بزدی محاکمه امریکا، یعنی تشکیل یک دادگاه فرمالیته، چند نطق و خطابه علیه جنایات آمریکا در ایران، رای به محکومیت آمریکا و دیگر هیچ!"

با در اختیار داشتن بودجه ای کلان (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) (یک میلیارد و صد و بیست و بیلیون تومان) - ما مورسیرستی آنها دست زدن می شود. بدین ترتیب می بینیم که مهره های جوش سردی و بهشتی که از محسوسیت خود با بیخورداری خود و بنا حدودی را می معور مردم هستند در این مکان - های رفیعی و اصلاح طلبانه رژیم می خزند تا موقعیت و نفوذ خود در مجموع هیئت حاکمه را تثبیت نماید و همه آنها به فرمان صریح آیت الله خمینی و با دادن رای اعتماد از سوی وی انجام میشود. اینجاست که میباید تمام میان خرده بورژوازی طرفداران بورژوازی لیبرال و وابسته خائنان خود را نشان مدهد و اینها که با رد بگرنایت میشود خرده بورژوازی نفوذت رسیده نئی توانمند امپریالیست با سد مسغول از مهره ها و سرپرستان امپریالیسم بورژوازی لیبرال، خائنینی چون بزدی، جسران، سازرگان و... اعمال قدرت نمایند. موج - دیت جناح خرده بورژوازی در هیئت حاکمه تا موجودیت آنها نبیند خرده است و صرفه ای که به جناح های وابسته و لیبرال وارد می آید مستقیم و غیر مستقیم موقعیت خرده بورژوازی در

بقیه در صفحه ۱۷

ایران و آمریکا دست یافت. اما کوجکیست اثری از آن اسانده اطلاع مردم برسد. سراز تشکیل دولت موقت وزیر خارجه و دکتر کریم سخاوی با رها خواستن آن شیکه است دمسوز به ایران ارسال شود. اما آقای بزدی که در آن زمان "معاون نخست وزیر در امور انقلاب" بود مانع از ارسال آن اسانده ایران و ایستادن آن بدست وزارت خارجه گردید. وزیر خارجه همه سازشکارهای لیبرالی اش گویا منجمله در اعتراض بهمین دخالتها استعفا کرد و خود بزدی این را مستقیماً وزارت خارجه و در واقع ترمیم و تحکیم رابطه با آمریکا را عهده دار شد. کمیته سفارت آمریکا که ۶ ماه تمام این لانه جاسوسی را چون مردمک چشم حفظ کرد و اسانده روابط امپریالیستی و جاسوسی آمریکا علیه ایران و دیگر قطبهای منطقه را با امانت داری یک نوکریا وفا نگهداری نمود، زیر نظر مستقیم بزدی قرار داشت. هیچکس ندانست این کمیته چه بود، از کجا آمد و چرا مستقل از کمیته های اماسام عمل میکرد؟!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



واقعاً چه کسی در عمل ضد امپریالیست است؟

اخطار کارکنان شرکت لاوان به وزیر نفت و مسئولین دولتی برای ملی کردن شرکت های وابسته در شرایطی که موج نوین جنبش ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان، امپریالیسم جنایت کار آمریکا و ارتجاع داخلی حامی آنرا بهراس افکنده است، نوده های مردم با طرح خواسته های انقلابی و ضد امپریالیستی خود هیئت حاکمه را وامیدارند تا برده از چهره فریبکارانه و ضد انقلابی خود بردارند.

کارکنان شرکت نفت لاوان که مدتی در- با فتنه ند مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با سرمایه داری وابسته و ارتجاع داخلی جدا نیست طی اعلامیه ای به وزیر نفت و مسئولین دولتی اخطار کرده اند که اگر تا تاریخ ۵۸/۹/۲۵ نسبت به ملی کردن شرکت های وابسته یعنی از قبیل: "لایکو"، "یان آمریکن"، "ریمنسکو"، "سوفیران" و "سرت" و نیز ممانعت از ملی شدن آنها امپریالیستها در این شرکتها و شعبه فوری و فاطح عناصر حساسین کارزم منحل و سایر واحدهای صنعت نفت بخصوص "لایکو"، اقدامی صورت نگیرد، مستو - نسبت اتخاذ تصمیمات بعدی، معاهده وزیر نفت و دیگر مسئولین دولتی میباشد (اطلاعات - ۵۸/۹/۲۵)

نفتکاران قهرمان هرگز فراموش نخواهند کرد زمانی را که با طمنازانه غلبه امپریالیسم آمریکا تصمیم به قطع صدور نفت به آمریکا داشتند و آقای معین فروری زینت جمهوری اسلام - اخطار کرد که هرکس شیرهای نفت را ببندد ضد انقلابی است. اما بعد که امپریالیسم آمریکا اعلام کرد که نفت ایران را نخواهد خرید، ایسان فوراً ما یک ضد امپریالیستی برجسته زنده و قریباً دیرآوردند که ما شیرهای نفت را بستیم!

کارگران و زمینکنان! واقعاً چه کسی در عمل ضد امپریالیست است؟

نفتکاران قهرمان که میخواهند با بستن شیرهای نفت، گیسو و غیرت عمیق خود را نسبت به حضور امپریالیسم در کشورمان نشان دهند؟ یا آقای معین فروری که اینگونه کارگران مبارز را ضد انقلابی میخواهد؟

دهها سال است که نفت ما توسط شرکت های امپریالیستی غارت میشود، قراردادهای نفتی که بدست تاها خائن بسته شده هنوز بقوت خود باقی است! هیئت حاکمه نه تنها این قراردادها را همچنان حفظ کرده، بلکه حتی حاضر شده برای مردم توضیح دهد که این قراردادها چیست؟

مبارزه قاطع علیه امپریالیسم رمانتیست است که فقط و فقط، زمینکنان برهبری طبقه کارگر آنرا انجام میبندند. تا قطع کامل وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیستها، بخصوص امپریالیسم آمریکا مبارزه را ادامه دهیم!

اهواز مبارزه کارگران شرکت "ایران دارسل" و همبستگی آنها با کارگران "گسترش مسکن"

طلبان کارکنان را نخطه کرده و آنها را بعنوان "ضد انقلاب" قلمداد کردند. یکی از روسا این عمل را غیر انسانی دانست و میگوید: همین اعمال باعث شده که سرمایه داران از مملکت فرار کنند، این اعمال نتیجه ای جز شکست دولت انقلابی؟! ندارد.

این باوه گوشتها مورد اعتراض تندکار - گران قرار گرفت. یکی از کارگران فریاد زد: شما که دم از ناسیست میزنید، پس چرا این چنین وحشیانه کارگران را غارت میکنید. چرا حقوق کارگران را بعد از دو ماه پیرداخت نکرده اید. کارگران ابتدا قعدا شدت مانع از خروج روسا از شرکت نبود، اما برای ترسبیکاری آنها و عده و عید پیرداخت حقوق و... عده ای از کارگران با خروجشان موافقت کردند و آنها موفق شدند از اهواز خارج شوند.

بعد از اینکه کارگران از فرار روسای شرکت مطلع شدند، نمایندگان خود را برای شکایت از کارفرما به اداره کار فرستادند، اما اداره کار از رسیدگی به شکایت آنها خودداری کرد. کارگران بدرستی دریافته بودند که ایسین اداره سرمایه داران است و قوانین آن هم به نفع سرمایه داران تمام می شود.

کارگران چهار رنفر از نمایندگان خود را روز دوشنبه ۱۹ آذر برای پیگیری خواسته هایشان به تهران فرستادند. سرگ بر سرمایه داران زانو صفقت مستحکم باد صفوف کارگران

کارکنان شرکت ساختمانی ایران دارسل (کارهای این شرکت مربوط به گسترش مسکن بوده و بیست و یکم می باشد) روز سه شنبه ۱۳ آذر بدستال اعتصاب کارکنان شرکت گسترش مسکن، با اعلام خواسته های دست از کار کشیدن و برای ابراز بیعت با شرکت گسترش مسکن به محل این شرکت رفتند. همزمان با ورود این کارکنان مبارز فریاد "درود بر کارگر" در فضای کارگاه طنین انداخت.

یکی از نمایندگان کارکنان گسترش مسکن، کارکنان ایران دارسل را در جریان وقایع قرار داد و سپس یکی از کارکنان ایران دارسل بهمان جمع آمده و به نمایندگی از طرف کارکنان اعتصابی از مبارزات کارکنان ابراز بیعتی کرد و به لزوم اتحاد در میان صفوف کارکنان اشاره کرد. وی در قسمتی از سخنانش گفت: "ما کارکنان در هر کجای دنیا که باشیم، با هر فرهنگ و زبانی که باشیم رای خملت ها و دردهای مشترکی هستیم. ما همگی از ظلم و جور سرمایه داران رنج می بریم و مورد استثمار سرمایه داران زانولت قرار میگیریم و در این راه تنها اتحاد ما کارکنان ما من پیروزیمان است."

بدستال اعتصاب کارکنان ایران دارسل که از کمترین امکانات رفاهی و ایمنی محروم - اند، روسای شرکت از تهران به اهواز آمده و با کارکنان به مذاکره پرداختند. این زانلو - معنان مغشور طبق معمول مبارزات حق -

شوشتر اعتصاب در سازمان آب تصفیه

کارکنان "سازمان آب تصفیه" شوشتر از تاریخ ۵۸/۹/۱۹ دست به اعتصاب زدند. این عده پس از اذیت گیری علیه مدیرعامل و فرما ندار خواسته های خود را در حضور "مرعی" رئیس اداره کار شوشتر مطرح کردند، که بعضی از آنها شرح زیر است:

- ۱ - تساوی حق مسکن با کارمندان "سازمان"
- ۲ - پرداخت حق سختی کار
- ۳ - اخراج مدیرعامل و انتخاب مدیرعامل کاردان و فعال
- رئیس اداره کار در مقابل خواسته های کارکنان می گوید که اینها در قانون کار ذکر شده است. در این موقع یکی از کارکنان با



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اراک - آیا اینست مبارزه ضد امپریالیستی؟

در پنجمین روز تحمن و اشغال استان اراک توسط فارغ التحصیلان بیگوارگان اراک - جی کارخانجات صنعتی آلیاژ (۱) - سپاه پاسداران خواست حق بیگاران را که یک شرافتمندانه بوده، بشوید، آزیا مهری سرکوب نمودند. آنان شعار حق بیگاران را که می گفتند: "بیگاری عامل هر فساد است" برای مبارزه، فدا امپریالیستی باید کار مارنسنده کرد "را به بهانه، شرایط "حسان" مملکت و "پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم" لگدمال کرده و نشان دادند که چطور در پویش کلمات و عبارات "مبارزه با امپریالیسم" و حاسانیت موقعیت، حرکت و خواست حق طلبانه مردم را سرکوب میکنند. کارگران اراک خواستار رها کردن به سر کار خویش بودند. آنان میگفتند که سرمایه دار زانوصفت که در گرماستان از ما بهره کشی کرده است چقدر دارد که اینک به بهانه "حجم کم کار" ما را بیگار ساخته و سرزستان ما را بخواند ما را با خطرگرستی و بیگاری تنها گذارد.

جواب مسئولین رژیم کنونی تهمت چماق و بازداشت بود. آنان با این جواب خود عمل نشان دادند که سنگ مستضعف و پابرنه را چه فریبکارانه به سینه می زنند.

آقای موسوی "دادستان انقلاب اسلامی اراک در مقابل کارگران اراک را خانه آلیاژ با کارفرمای زانوصفت بنفع سرمایه دار رای داده و ماهیت واقعی خود را نشان داده و بعد در اعلامیه سرابا فریبکارانه را هاشی پیش پای دیپلمه ها و کارگران بیگار گذاشت که مثل گذشته از وعده و وعیدها فراتر نگذاشت. او (آقای موسوی) در اعلامیه گذاشتی اش گفته است که بیگاران می توانند در قبال کارآموزی، مجرد ما می ۳۰۰ تومان و متا هله ۶۰۰ تومان مزد بگیرند.

ولی این مفتخوار که حرفهاش از جای گرمی بلند میشود اینرا نمیداند و نمی فهمد که ما این مقدار را نیز که کرا به خانه را کفایت نمیکند و در حالیکه معارج زندگی روز بروز با لامبرود چطور می شود زندگی کرد.

او میخواست با این پیشنهاد غیر قابل قبولی که کاری برای بیگاران ایجاد نمیشود زمین را برای حمله و سرکوب کارگران و دیپلمه های بیگار فراهم سازد و برای اجرای این عمل و قبحانه و بیشرمانه از هیچ اقدامی فروگذار نکرد، او فریبکارانه میخواست مردم زحمتکش ما را مجبور به حمله و سرکوب دیپلمه ها و کارگران بکنند ولی دیگر خلق زحمتکش و رنج دیده ما در این مدت ۱۰ ماه خوب فهمیده اند که منافعی نیست چا که مفدا کرد و رگرو فدا نقلایی جدای از منافعی زحمتکش است و بهمین دلایل است که آقای

(۱) - در خلال تحمن این کارگران، شورا های کارخانه، آلیاژ و چند کارخانه، دیگر از کارگران متحمن پشتیبانی کردند و کارگران اراک نیز با فرستادن اطلاعیه ها و شورا های دیگر کارخانه ها را در جریان مبارزات خود قرار دادند.

موسوی در اقدام خود بی پروا نشده و بلکه بیشتر مفتضح و بی آبرو میشود و مردم زحمتکش اراک با حمایت و جان نبداری از فرزند زحمتکش و متحمن خود در استان اراک بقشه سوم "دادستان انقلاب" را نقش بر آب میسازند.

ولی جناب موسوی وقتی از این طریسب حنای خود را بیرون می سندانست ۱۲ نیمه شب یکشنبه ما مورس مسلح خود را برای سرکوب بیگاران متحمن اعزام میداد و بدین ترتیب پاسداران مسلح با همراهی و کمک جماعت بدستان ولاتهای شهر جمع بیگاران حمله کرده و سطرز و حشانه ای با چماق و قنداق و تفنگ جان فرزند - از زحمتکش این شهری امتداد و در این حمله از هیچ و حشگیری که نشانهای زیادی به سورتی و حمله جماعت بدستان آریا مهری داشت فروگذار نمیکنند و بعد از این عمل ناخواسته تعدادی از کارگران و دیپلمه ها را نیز گرفته و در کمیته به بند می کشند.

صبح روز یکشنبه دیپلمه ها و کارگرانی که توانسته بودند از حمله مهاجمان جان سالم بدر برنده همراهی سایر مردم زحمتکش اراک از جلوی استان اراک شروع به راهپیمایی در سطح شهر کرده و ضمن افتا و محکوم کردن حمله جماعت بدستان خواهان آزادی دستگیرندگان میشوند که در جلوی مدارس مورد پشتیبانی دانش آموزان قرار میگیرند. میرجعفری عضو شورای شهر و فرهنگ خلیج رئیس شهر با نشی در جلوی کمیته مستقر در شهر با نشی به راهپیمایی میگوید که متفرق شوید و اگر چماق بدستان به شما حمله کردند مسئولیت هیچ اتفاقی را بعهده نداریم که به مدت کمی بعد از این "خطار" عده ای چماق به دست مزدور و و باش شهر بهری رعناشی (با زاری مفتخوار) که عده ای از مردم نا آگاه را نیز در جمع خود تشنه با چوب آهن پاره و نشی و زنجیر ... جمع راهپیمایان حمله می کنند و بدین ترتیب معلوم میشود که حمله چماق بدستان نیز با نقشه ای از پیش طرح شده توسط مسئولین شهر و بهری "دادستان انقلاب اسلامی" می "اراک و با همکاری شهر با نشی و ... انجام گرفته است.

(ب) - بنقل از اعلامیه مورخ ۵۸/۹/۱۹ "هسته اراک" وابسته به سازمان بیگار در راه آزادی طبقه کارگر)

آخرین خبر حاکمیت که در اشرفا را افکار عمومی مردم شهر و ولاتهای شورا های کارگری چند کارخانه، مسئولین شهر با نشی و روز دوشنبه (۵۸/۹/۱۹) ۱۵ نفر از دستگیر شدگان را آزاد کردند. در ضمن شورای کارگری چند کارخانه اراک طی نشست مشترکی تصمیم گرفتند که تمام کارگران اراک برای سرکوب و قهلی خود بر گردند. لازم است ذکر است که کارگران اراک آلیاژ بیگار دیگر پس از اخراج با تحمن در دفتر شرکت بیگار خود بازگشته بودند ولی با زد و بند کارفرما با موسوی (دادستان انقلاب اسلامی) دوباره اخراج شده بودند!

اعتصاب در شرکت "پرسیزیون"

مسجد سلیمان -

شرکت پرسیزیون یک شرکت بیگار است که غالباً کارهای نظامی را به عهده گرفته و برای ارتش کار میکند. این شرکت قبل از قیام تعطیل و دستولان آن بخسارح فرار نمودند.

بعد از قیام، کارگران کوشش خود را برای برگشت به سرکار و گرفتن حقوق عقب مانده خود آغاز کردند. ولی بعلمت عدم تشکیل و مفیدان مشکلات واقعی نتوانستند شرکت را خودشان راه انداخته و اداره آنرا بدست گیرند.

کارگران پس از مدتها مبارزه و راهپیمایی نتوانستند حقوق عقب مانده خود را تا بهنگاه فروردین ماه بگیرند. شرکت پس از پرداخت اجتناب از حقوق عقب مانده کارگران، آنها را که حدود ۴۰۰۰ نفر هستند اخراج شده حساب آورده و دوباره دست به اخراج کارگری زدند و نتوانند و لا سادست در کمتری آنها را مورد استنما قرار دهد و دوم اینکه ما به کارگران از پس برود و در آینده هروقت بخواد. نتوانند براحتی آنها را بیرون کنند.

کارگران بدلیل نداشتن تشکیل و همبستگی نمی توانستند در سر حمله شرکت استنادگی کنند. اینست که می به استخدام مجدد داده و بتدریج به استخدام شرکت در می آیند. تا بحال حدود ۱۷۰۰ نفر اخراج شده اند ولی بقیه کارگران هنوز بیگارند.

شرکت با سوءاستفاده از عدم تشکیل کارگران و خیل عظیم بیگاران، آنها را با حقوق خلیسی کمتر از پیش از قیام سخدا می نماید. از حدود یکماه پیش کارگران آکا شرکت خواستهای خود را تنظیم کرده و آنها را از مسئولان شرکت می خواهند. ولی مسئولان شرکت پس از مدتی وعده و وعیدها خواستهای کارگران بدون جواب می گذارند. تا اینکه کارگران از روز غنسه (۵۸/۹/۱۷) دست به اعتصاب میزنند. کارگران اعلام نموده اند که تا برآورد شدن خواسته های اعتصابی تا ۱۰ ماهه نخواهند داد. مسئولان شرکت وقتی با حرکت ممتدا به کارگران روبرو می شوند، با تهاون نشان گرفته و از کارگران می خواهند تا بیگار خود را برای مذاکره به تهران بفرستند. در ضمن از کارگران بسیاری رسیدگی نخواهند شد تا ۱۰ روز مهلت میخواهند. کارگران روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹، ۴۰ نماینده به تهران فرستادند.

بعضی از خواسته های کارگران مذکور عبارت است از:

- ۱ - تشکیل شورا های واقعی در سطح کارگاه های شرکت.
- ۲ - چهل ساعت کار در هفته و تعطیل رسمی روز پنجشنبه.
- ۳ - آقای دهقان، با هر شخص غیر مسئول دیگری حق هیچگونه دخالت در امور کارگاهها ندارد.

ندارد.

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بومدیریت کارخانه میباشند

۴ - برداشت حقوق از فروردین ماه ۵۸ سه نامی کارگران که در اس شرکت تا غسل بودند.

۵ - اعلام شود که شرکت پرسرپون ملی (دولتی) است یا نه

۶ - و ما بل ایمنی بطور کامل نه کارکنان داده بود

۷ - سابقه خدمت کاری که از چند سال گذشته بلا تکلیف شده طبق شرکت های دیگر داده شود.

۸ - کرایه خانه برای افراد ما هل ۱۲۰۰۰ ریال و برای افراد مجرد ۹۰۰۰ ریال پرداخت شود.....

کارگران تنها از طریق ایجاد دستکلیات واقعی خود و متکلی شدن در جمل آن میتوانند به خواستههای طرح خود برسند.

سابقه از صفحه ۱۳
رشته های ...

توده های زحمتکش دارای هیچگونه متکلی و ساز-ماندهی مبارزاتی که بتوانند مبارزاتشان را ابعا دو سعتی بخشد، نبودند لیکن با وجود این توانستند دفاع قهرمانانه خود رزیسم شاه را عقب بکشند. توده های مردم در جریان مبارزات خود بخودی بود که بی به قدرت متکلی و متحد خود می بریدند و در می یافتند که چه نیروئی در قدرت متکلی توده ها وجود دارد. لازم است در استعاضا اناره کنیم، که در آن زمان هیچکدام از رهبران مذهبی نظیر آیت الله خمینی و نژد - بکان وی و هیچ یک از مدعیان امروزی انقلابی-گری در این حرکت توده ای شرکت نداشتند. چرا که حرکت فعال آنها بر علیه شاه "بدنیسان حرکت بازاری" ها و طلاب قم یعنی از حدود زمان سال ۵۶ شروع شد. در این زمان تنها نیروهای انقلابی چه بودند که از مبارزات این زحمتکشان پشتیبانی میکردند و در حدی که می توانستند آنها را رهنمود می دادند. بهمن دلیل است که امروز حتی در تعیین زمان شروع انقلاب اخیر ایران و آغاز حرکت توده ای و احکامی و مراحل مختلف آن تریس کسو - سسنا و رهبران مذهبی و روشنفکران خسرده - بورژوازی سنتی اختلاف وجود دارد:

کمونستها سرآغاز انقلابی و اوج گیری حرکت توده ای را مبارزات صدها هزار نفر از زحمتکشان خارج محدود در اواخر بهار و تابستان سال ۵۶ میدانند و روحا پیون و روشنفکران خرده بورژوازی مرفه سنتی آغاز حرکت توده ای را از زمان چاپ مقاله ای بر علیه آیت الله خمینی در روزنامه اطلاعات و به دنبال آن تورش طلاب و مردم مبارز در زمستان سال ۵۶ می دانند.

اما به دارد ...

به اساسا سه مضمون دولت در مورد سوراها اظهار داشت که این اساسا سه با شکوی یک نهاد واقعی نورا نبوده و مورد قبول ما نیست و ما اساسا سه تنظیمی اتحادیه سازی خود را قبول داریم و گفت سوراها با بدد مدیریت منا رکت دانسته با تندمدبران را در صورت تخلف عزل نمایند. استناد را در این موقع وارد صحبت نشود گفت دحا - لت سوراها در مدیریت را قبول نداریم پس سها به همراه مدیرعامل و دارنده اش جلسه را ترک نمود. کارگران فریاد میزدند که مدیرعامل باید باخ دهد.

در باب این جلسه کارگران ضمن محکوم کردن این عمل استناد را در مدیریت با صدور قطعنامه ای به جلسه خود بیان دادند. در این جلسه کارگران به ما هیت استناد را و مدیرعامل مسئول بیشتی بریدن و هتگی از این صحت میگردند که استناد را نمیتواند کوچکترین باسخی به نیازهای آنها بدهد.

"پرسون با بد دستی متحد کارگران!

(۱) - چوکا، صنایع چوب و کاغذ ایران

در حضور سه هزار نفر از کارگران و کارمندان چوگا استناد را کیلان استیضاح شد!

جمع عمومی نمودن تاریخ تشکیل آن را (روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹) به چهار مقام امضا کننده صورتجلسه ابلاغ کرد. این تصمیم با استقبال شدید کارگران مواجه گردید و در روز دوشنبه پس از سه هزار کارگر و کارمندان در محوطه کارخانه جمع شدند و شعارهای "مرکب ما میرا لیسیم آمریکا دسر! املی مردم ایران" و "سروز با دجا کمیت نورا ها تخلی که انا دکار - کران" را روی دستها بلند کردند.

مدیرعامل و افراد وابسته اش سعی نمودند که شرکت در این احیاج را تحریم نمایند و با لفظهای مکرر مانع از شرکت استناد در جلسه بودند ولی با قساری کارگران آنها را وادار به شرکت در جلسه نمود. جلسه با نامی از اتحادیه سازی نورا های انقلابی اسلامی کارکیسان شرکتی تابع و وابسته ما را میگزین و سوز سازی صنایع ایران شروع نمودند و آن یکی از کارگران مبارز عمورتوراطی سخنان کوبیده خود معانات مذکور را جمله مدیرعامل را با سببناخ کشید. نماینده کارگران از استناد درخواست توضیح دهد که دلیل تورا ای منتخب کارکنان را خود را سه مسلح نموده است، از دانسان و رئیس دادگاه درخواست نمود برای کارگران توضیح دهد چرا بدون دلیل و مجوز اقدام به بازداشت وی نموده است. او را مدیرعامل خواست علت دشمنی خود را با نوراها کارگران بگوید. وی همچنین اندامات مدیرعامل را در این سفر از سر وی مطلع در کارخانه استخدام قوم خویش های خود و اتحادیه رفه بین کارگران استنا نمود. جمعیت فریاد زدند "درود بر کارگرمبارر" بعد از او پیام اتحادیه فارغ التحصیلان بکارخانه رسوا بنهر خوا نه شد. پس استناد را - داوران - شروع به صحبت نمود. آقای استناد را بجای پاسخ به سئوالات کارگرمبارر، سابقه "مبارزاتی" خود را برای کارگران تعریف کرد و اینکه جقدر کار میکند و سرش بلوغ است، اوسخان خود را با نحوه توزیع تا بدرون تناسی و سایر خدمات استناداری بیابان رسا بدو در خاتمه نیز اندکی از بیچارگی مردم فقیر نشین شهرت صحبت کرد تا جلسه را مناسما بد.

بعد از استناد را یکی دیگر از اعضا سورا شیهو بر خورد استناد را در پاسخ به مسائل کارگران افشا نمود و برای حاضرین در جلسه توضیح داد که چرا استناد را و مدیرعامل از دادن جواب صریح خودداری میکنند و بیانات را

از جدی بیست "مدیرعامل کارخانه چوگا (۱) با همکاری دارودسته خود که اکثر آنها در انقلاب برای "بسنرد" امرا غلاب و خدمت به مسمقان!! از آمریکا تا ایران شرکتها اندر علیه سوری کارکنان کارخانه که مسحت واقعی کارکنان میباشد شروع به دسه جستی و سبب - سی نمودند. این جریان مخصوص سعاد زعفر - آیت الله سزافی نماینده رسمی امام سه کارخانه اسرج کامل آن در سبکا ۲۵ آمده است) بدت سستی گرفت و مدیرعامل با هر کوسسه سسها دورا حد مسائل رفاهی کارگران وجه در امروسلید و بدسرت کارخانه مخالفت می نمود. اختلافات سورا با مدیرعامل نسبتا ل - استفرار استاداران مسلح اسر وی و سزه ادر کار - خانه که مورد مخالفت سدن سورا و کارکنان قرار گرفت، ابلاغ اساسا سه مضمون دولت در مورد سوراها، با وج خود رسد و مدیرعامل تا کنه سر اساسا سه مضمونی دولت و حمایت "فرض سوز" دادسان انقلاب سزافی و طوائف موقعیت را مضمیم سردوطی - صورتجلسه ای در ما حسان استناداری کیلان با امضا استناد را، رئیس و دادسان دادگاه انقلاب، سوری کارکنان را با وارد کردن شکری استنابات واهی در مورد اسکندراجا سورا سطا سها مهای دولتی!! را (که سها مأمربوط به رژیم کسه بود بعضی کسیده منحل اعلام نمود. این موضوع مورد مخالفت سید سساری ار کارگران قرار گرفت و کارگر - ان قسمتهای مختلف اسورا خواستند که راه - سها مای اعتراضی سازمان داده بود ولی بدلیل وجود عناصر مریض و مبارکنا در سورا سها مهای عده ای از اعضا سورا، این درخواست کارکنان تصویب اکثریت امضا نرسد.

سوطه های مدیرعامل و مدیریت مجتمع با همکاری دادستان انقلاب ادا مفاست سها اتحادیه کی از اعضای نورا دستگیر دولتی سعاد با بافتاری عده ای از اعضای نورا آزاد گردید.

عناصر فریبت طلب وابسته به مدیرعامل سها حمایت و همکاری اکثریت اعضا انجمن اسلامی در تمام این مدت سها مغشوش نمودن ذهن کارگران و اینکه در سورا افرادی نفوذ کرده - اند سعی در تحریک کارگران بر علیه سورا نمودند که علت مغشوش معلوم بودن ماهیت این اسفرا د تبلیغاتشان و مشروقات سندا. سوری کارکنان جهت افشای اعمال مذکورگری مدیرعامل، استناد را و دادگاه انقلاب، اقدام به برگزاری

نان ، مسکن ، آزادی



جنبش ملی

گزارشی از بلوچستان (۲)

اوضاع منطقه و شرایط سیاسی ارقام
همچنان که پیش از این بیان شد برآورد
هجوم میربا لیم و عدم تمنا دی، منطقه
بلوچستان از نظر اقتصادی عقب مانده بود
و متکی بر خود نیست. در این میان کسری فعالیت
تعمیری و راه سازی در منطقه که در رابطه با هدف

ها و سیاستهای امپریالیسم آمریکا صورت می
گرفت (سازگاریهای حاشی و جاه طلبان و راههای
سبزی) سواست نمودار مهاجرت مردم منطقه به
خارج از آن بکا هودجی نیروهای راکه بیساز
این در امرکتا ورزی کوکج صرف مستند. صورت
کارگرها خصمانی بکار میگردند. اما با او حکمرانی
مسازات اخیر مردم ایران که منجر به تسلط
شدن غالبت کارکاهای احتمالی و معسوس
ماندن پروژه های بزرگ شد، گوجه برای مدنی
کارکاهای منطقه همچنان معمول بکار ماندند
اما بدلیل رسیدن مواد اولیه و مصالح
متخصص غیربومی از کارکردن کارکاهای منطقه
بسیار مدنی تعطیل گشته است. سواست
کارکاهای که فرستاده هر کارکردار وجود جمع
کرده بودند منسوخ از کارگاه محک (بانکگاه
سروری هوای جاده سهار، سواست روستا
(بانکاه سروری درایستی جاده سهار) اسکانه
لیموس (راه اهدان سرحد)، سکا ساری راه
زاهدان - کرمان و... را نام برد.

بیکاری این کارگران سومی که
بانکاهی مادی در سیزده ساله سکا ساری
روستا داشتند، سواست سواست
مسئله حیاتی این منطقه در آمد، سواست
دوران سواست و معارف شدن سواست
- ها و دستور عدم اسخدا مفرا د حد در ادارات
و موسسات دولتی سکا ساری در منطقه سواست
نری یافت که موجب شکل گیری و سواست
اعترافی و مبارزاتی مردم بصورت سواست
و تخمین ها کردند. اسواست و تخمین ها
در این سواست سواست سواست
مسازات کارگران سکا ساری سواست
در زاهدان در تاریخ اسخدا ۵۷. سواست
کارگران سکا ساری سواست سواست
سهار، سواست کارگران سکا ساری در محل
استانداری در اوایل اردیبهست همین سال به
مدت یک هفته، تخمین سواست سواست
آستانداری و آموزش و پرورش (زاهدان) راه
بیمایشی کارگران سکا ساری سواست
شهر و تخمین آنها در تاریخ ۵۸/۲/۸ و تخمین کار
کران سرحدگلداری در زاهدان در محل اداره راه
در تاریخ ۵۸/۱/۶ را نام برد. گوجه محرک اصلی
این سواست و تخمین ها سواست سواست
بوده است، اما با دفعالیبت نیروهای مترقی
و چپ ران نیز خاطر نشان نمود. البته در
رابطه با سواست سواست در منطقه میتوان از
فعالیت نیروهای مترج محلی و بخصوص خوانین
سیر در اینجا در اهستی ها و دزدیهای سرگردنیه
بقیه در صفحه ۱۲

وظایف نیروهای م-ل و انقلابی در کردستان

که بطور خلاصه میتوان گفت:
- تابع نمودن مبارزه ملی خلق کرد
با مبارزه طبقاتی (مسئله راضی بطور مشخص
در اینجا). بدین صورت که با بدست آوردن هر چه
بیشتر و وسیع تر شده های زحمتکش دهقانی را
بر روی منافع و خواسته های طبقاتی (خواست
زمین بطور عمده) تسخیر نمود و اجازه داده
نشود که زمینداران و بورژوازی زیر مالک مسئله
ملی به اهداف استعمارگرانه و قدرت طلبانه
خود دست یابند. با تسخیر و وسیع تر شدن نیروهای
زحمتکش در جهت کسب حقوق طبقاتی و ملی
بسیار گسترده و مداوم اغلات و مغایله سواست
بسیار گسترده و مداوم اغلات و مغایله سواست

در شکل های حاکمیت بوده ای از قبیل
شوراهای شوروروسا و اتحادیه های دهقانی که
با انکاء به نیروهای مسلح پیشمرکه و توده های
مسلح دهقانان بعنوان ارگانهای حاکمیت
توده و با نظم انقلابی خودشان استوار میگردد.
آند نیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در
گرویدار و جنبش انقلابی در سواست ایران است.
از اینرو لازم است که در جهت تحکیم سواست و
بسیار در صفحه ۱۴

"کمیته کردستان" سازمان اخیرا جزوهای
سازم "چرا یورش؟ چرا سازش؟" منتشر کرده که
ران راجع به وضع سیاسی کردستان، دلایل
بیشتر نبودن جنبش کردستان، علت یورش رژیم
حاکم به کردستان و نتایج این یورش، و همین
طور دلایل عقب نشینی رژیم و مذاکره سواست و
وظایف نیروهای م-ل و انقلابی در کردستان
را مورد بحث قرار داده است. ما در اینجا قسمت
(عمده) آنرا این جزوه را تحت عنوان "وظایف
نیروهای م-ل و انقلابی در این شرایط" می
آوریم:

"همانطور که در این جزوه در مورد
اعتلای نویینی گردیده است و با توجه به
همگون و نا هماهنگی انقلاب و سواست بودن سطح
مبارزه و سواست سواست سواست
از آنجا که سواست سواست سواست
نمی توانند خود را از اثرات خلفهای ستم دیده
جاهای سواست سواست سواست
با لای جنبش کردستان نسبت به ما برنقاط ایران
و همچنین بیوندنا گشتنی بین این مبارزات
با مبارزات مادی میربا لیمستی و دموکراتیک کل
خلفهای ایران و سواست سواست سواست
در مقابل نیروهای انقلابی م-ل قرار میدهند،

سازمانهای انقلابی به تعهدهای خود مومن هستند

اطلاعیه

ساعت یک بعد از ظهر ۵۸/۹/۲۱ یک فروند
هلیکوپتر در بانگاه (گاوشان) بین کارگران
و سنجاد سواست تخمین سواست سواست
بیشمرگان کومه سواست سواست سواست
هوشیاری انقلابی بطرف (گاوشان) عزیمت
کردند. در این اثنا دومین هلیکوپتر برآورد
بدی هوا در همان منطقه مجبور به فرود شد. در
نتیجه بیشمرگان اعزامی کومه سواست سواست
دو هلیکوپتر را توانا به کارگران راه نمایی
کردند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان
ایران (کومه له) بدلیل تعدد آبی که در مورد
رعایت آتش بس عمده گرفته است، سواست
مربور را ساعت هشت و نیم از کرده و در ساعت
دوازده امروز ۵۸/۹/۲۲ آما دگی خود برای تحویل
هلیکوپترها به ارتش اعلام داشتند.
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان
ایران (کومه له)
۵۸/۹/۲۲

انقلابیون با سواست سواست

مردم مبارز سنجاد

بدین وسیله به اطلاع همسازان مبارز
می رساند که در شبهای سه شنبه ۵۸/۹/۲۰ و چهارشنبه
۵۸/۹/۲۱ بیشمرگان (سازمان انقلابی
زحمتکشان کردستان ایران - کومه له) در جریان
تعمیر راهزنان که در این مدت وحشیانه مزاحم
مسافرین شده و اقدام بغارت اموال مردم
نموده اند چا رنفریه سواست سواست سواست
غربی، صالح اسماعیلی واحد گرمی دستگیر
و در اختیار بیشمرگان این سازمان میباشد.
ضمناً مقداری وسائل سواست شده همراه
با یک ماشین جیب لندر و رسیدن شماره و سواست
کیلوتریا یک از آنها بدست آمده. از کسانیکه
در این مدت اموال شان بسرقت رفته دعوت
میشود که به مفکر کومه له در سنجاد مراجعه نموده
تا ضمن شناسایی در مورد استرداد اموال شان
اقدام گردد.
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
کومه له
۵۸/۹/۲۲

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



دهقانان روانسر کردستان: برادران دهقان متحد شویم

" آنچه میخواهید فقط سرکشد مختصری از زندگی ما دهقانان روانسر است. همه ما می - داریم در سال ۴۱ و ۴۲ قانون اصلاحات ارضی کامل حال زمینهای لظان آبادند و مقرر گردیدند این زمینها میان ما دهقانان تقسیم شود. و همه ما میدانیم که فقط این زمینها را از ما گرفته اند و هنوز جگه‌های زیادی بقیه زمینها داده شده است در دست داریم. اما همه زمینها را به ما زمین ندادند بلکه زمین - های خودمان را هم دارند دادند. همه ما با هندویم که آنجا آن اردلان حضور ما را کلاه نداشتند و حضور آن عده را خاصی را که برای جنون خود شروع بدینا لظت کردند. (درویش حسن نصی، حلیف: احمد محمدی، علی اکبر و سی، غلی محمد احمدی، کدخدای محمدولی کرمانی، آنگونه را ندارم و میفود در - سیکه دولتی بدندان ادا چند سوزگوسان کردند. ما با ما میخواستیم کرده‌هایمان را بر آنجا بر گرفتیم و سدها بر آنجا دهقانان را و از سبزه‌ها کرده اند و زمینهای آنجا نیز بسیاری اغت شده اند."

در اینجا اعلام می‌آوردن آسانی عده ای

از دهقانان، وضع فعلی آنها را نشان داده و بظلم و تکیه‌های که ما به ما و فتودا لظت آنجا آن کرده اند اشاره نموده است. در اینجا اعلام می‌خواهیم:

" ما برادران بی زمین می‌خواهیم که هر چه در دست دارند دهقانان جمع شوند تا بتوانیم همگی با هم برای بدست آوردن زمین - های کامل خود ما را با آنها را غصب کرده نگریم. و از اجاره‌های بی‌نام، اگر ما منحوس، اگر بدست در دست غصبگر کرداریم، اگر به هم دیگر اعتماد داشته باشیم، همه حذر ز دست خواهیم آورد ما اگر بتوانیم متحد شویم همه حیران هستند ما را خواهد رسید و برادران در مقابل سوز میدان ما را بر همه حذر خواهند داد. برادران زمین مال دهقانان است. کردستان مال ما است و ما خدایمان آن ما هستیم. پس برای بدست گرفتن زمین و آباد کردن کردستان تنها راه ما با خداوند است. و بداند که هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابل اتحاد ما مقاومت کند."

از طرف عده ای از دهقانان روانسر

تظاهرات زحمتگشان روستای "گو بوم"

(نقل از صفحه محلی پیکار ۲۲ "کمینه خورستان"):

زحمتگشان روستای گو بوم روز شنبه ۵۸/۹/۹ جلودا دگا ه انقلاب اسلامی شیراز دست به تظاهرات زدند. علت این تظاهرات اعتراض به آزادی مالک سرسپرده این روستا به اسم "فتحعلی خان گو بومی" بوده است.

فتحعلی خان گو بومی یکی از مردوران و مالکان بزرگ روستای گو بوم (واقع در ۲ کیلومتری شیراز - حاده اردکان) است که بعد از تمام متوسط مردم روستا دستگیر و تحویل سپاه پاسداران میگردد ولیکن بعد از مدتی فتحعلی - خان آزاد می‌شود. روستائیان گو بوم بعد از اطلاع از حیران دست به تظاهرات زده و اکثر آنها راهی شیراز می‌شوند. در شیراز جلساتی استنادی در محض کرده و خواستار دستگیری مجدد فتحعلی خان می‌شوند. فشار مردم باعث میگردد که سنا بنا بر قول دستگیری وی را بدهد. بعد مردم خبردار میشوند که فتحعلی خان قصد مسافرت و فرار به خارج از کشور را دارد. در اثر کوشش عده ای از جوانان روستا فتحعلی خان یک ساعت قبل از پرواز در فرودگاه شیراز دوباره دستگیر می‌شود. سنا با آرزو که مردم منقول عزاداری بودند با کمال تعجب خبردار میشوند که فتحعلی خان دوباره آزاد شده است. مردم حتماً صبح روزی با سوغایا می‌آیند و بیاری و بیاری می‌آیند شیراز و همگی جلو خانه آیت الله دستنویب شروع به تظاهرات می‌کنند. آیت الله دستنویب میگوید که ما آن آزادی فتحعلی خان حیرانند و آقای "مارنداری حکم آزادی وی را ما ندیده‌ایم. حدوداً بعد عصر مردم در حالیکه شعار "مرگ بر ما زنده‌ای را میدادند جلودا دگا ه انقلاب جمع می‌شوند. مردم خبردار می‌شوند فتحعلی خان ساواکسی اعدا می‌بند کردند. "مرگ بر ما واکتی، مرگ بر ما زنده‌ای".

مشئولان دادگاه ابتدایی میگردند تا تمکین روزهای عزاداری مردم را مشخص کنند و در میان جمعیت یک نفر را بلندگو داد میزد که مردم مواظب باشید آدم غریبه نوبیمان سنا ندید شروع میگردید جسی، حسن گفتند. اما مردم می‌کنند فریاد مرگ بر ما زنده‌ای سر میدادند و بالاخره مسئولان دادگاه گفتند که ما با مردم بیروند و ما با سنا را و از آنجا حکم جلب فتحعلی را بگیرند و با این حلیه مردم را به سنا بیا سنا را با سنا بدند مردم سوا رمانش - ها شده و در حالیکه باران میبارید راهی سپاه پاسداران می‌شوند. مردم از میان خود عده ای را بعنوان نماینده انتخاب میکنند و با سنا - از آن وارد مذاکره می‌نمایند و عاقبت با قول گرفتن از سپاه پاسداران مبنی بر دستگیری فتحعلی - خان، مردم به روستای خود بر میگردند. در تظاهرات جلودا دگا ه انقلاب با چند نفر از اهالی زحمتگشان گو بوم گفتگو کرده ایم که در زیر می - خوانند:

بقیه در صفحه ۱۴

شورای انقلابی ضد فتودالی (فارس) را فرا گرفته است

با در بر گرفتن از ما را از دهقانان منطقه فارس را بغل میکنیم. این مبارزات زمین و زمین زدگی بوده‌های زحمتگشان شیراز بر روی ما حبه و اطلاعاتی هر چند خردی در بررسی سافت اینما دی این مناطق بدست می‌دهد:

■ **داراب**

اهالی جدیدی روستای داراب از جمله جمعی کوه بغیدو... اقدام به تصرف زمینهای فتودا - لهای منطقه نموده‌اند. دهقانان در تمام موارد سنا به پاسداران که در مقام مدافع منافع فتودا لظت عمل میکنند، روبرو می‌شوند. ولی از آنجا که زمین سارجانی هر دهقانی است، آنجا جهت حفظ زمین ما جا را در کسری سنا پاسداران بوده و در این میان همواره دهقانان پیروزند.

ما در بر گرفتن از ما را از دهقانان روستای جمعی و اطلاعاتی را که به همین مناسبت تا در نموده اند منتقل از صفحه محلی پیکار ۲۲ (کمینه خورستان) می‌آوریم:

بروایتیباد خورستان اخلاقی ... در تاریخ ۵۸/۸/۲۶ خون نشینهای ده جمعی داراب طی یک حرکت انقلابی زمینهای مالکان آن ده را ضبط کرده و بین خود تقسیم کردند (محدودیت زمینها معلوم نیست. چون این زمینها بطور سنا کرده در اطراف ده جمعی قرار گرفته اند)

مالکان میزور در سبب ترفاط اطراف داراب دارای زمینهای زیادی می‌باشند.

در تاریخ ۵۸/۸/۲۷ مالکان به انتفاع افراد کمیته و فرمانداری و عده ای پاسدار به آنجا رفتند و چون نشینها را مورد فحاشی قرار داده و می‌گویند سنا هیچ حقی روی زمینها ندارد. کدخدای منطقه سبیر (که شخصی است حیره - خوار) با مالکان همدست شده، افراد کمیته را بر مردم جمعی تحریک میکنند و میگویند اینها ما انقلابی می‌خواهیم و ما خلاقان را از دست بدهیم چیزی نداریم و اگر سنا خواهیم ماند. و با دادن

بقیه در صفحه ۱۴

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

ارتجاع مراسم ۱۶، آذر را در محمودآباد، بابلسر، آمل و بابل بخاک و خون کشید

داده و در طی آن ارتجاع جهه کریمه خود را در فریدون باده نیروهای انقلابی و صدا میربا لیبست حدارتجاع نشان داده است .
حمایت با ساداران و ما مورس کمیته اسام

اشک آور بخوبی مقاومت منمود . اما فاشا ربیش از حد مرتجعین و نیروهای کمکی ! فشرده گسی معوف مبارزان انقلابی پیرو جوان . زن و مرد ... را تا اندازه ای گسست . ضرب و شتم وحشیانه

بدعت "کمیته مشترک دانش آموزان - شوران انقلابی محمودآباد" (دانش آموزان پیشگام و هواداران سازمان بیکار در دروازه آزادی طبقه کارگر) جهت کرامت ۱۶ آذر، روز دانشجو نظاره ای از ساعت ۹/۳۰ روز جمعه ۵۸/۹/۱۶، مقابل مدرسه دکتر شریعتی - محمودآباد آغاز گردید در این راه هیما بیانی فریب به هزار نفر شرکت کرده بودند . راه هیما بیانی با شعارهای "کارگر، دهقان، پیشه‌ور، دانشجوی پیروز است" "مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما" "نه سائزین نه تسلیم، متحد، مسلح، نبرد با آمریکا" "کار برای کارگر، زمین برای برزگر"، "کلتقیما می - رزمند، امیربا لیبست می لرزد" و... مسیره راه هیما بیانی می نمودند . زمانیکه راه هیما بیانی به مسیر اصلی خیابان آمل رسیدند عده ای عناصر مرتجع، و تا آگاه، مسلح به چوب و چماق و اسلحه گرم (این عده با دومیته بیوس برهبری آخوندی مرتجع از فریدونکنار آمده بودند) مسیره راه - هیما بیانی را سد میکنند . راه هیما بیانی با شعار - های کوبیده صدا میربا لیبستی و صدا ارتجاع داخلی بقصد ورود به مرکز شهر با صفوف فشرده آماده حرکت میشوند . در همین حال عده ای از بازاریان و پیشه‌وران محمودآباد بقصد وساطت با دو گروه وارد میدان می شوند . اما راه هیما بیانی با آرازه واحد و مصمم سعی در عبور از مانع میکنند در مدتیکه راه هیما بیانی با غلطی مانع از حرکت باز - ایستاده بودند با خواندن مقالاتی توسط عده - ای از رفقا با افتخار مواضع ارتجاع و امیربا لیبست لزوم وحدت و به هم فشردگی صفوف نیروهای انقلابی و صدا میربا لیبستی و توده های زحمتکش ، راه هیما بیانی را به میمنتیک مبدل ساخته اند (رازل و اوپاش مرتجع با اوپاشین آوردن چوب و چماق و اسلحه های بیوزی و ۳ مقدمات حمله را آغاز کرده بودند و از این طرف شعارها شیکه در بالادکرت و همچنین شعارهای "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر امیربا لیبست"، "ارتجاع بوئالی است کردستان گواهی است"، "در دما در دشمن است"، مردم شما ملحق شوید"، "اتحاد، مبارزه، پیرو - زی" مقدمات دفاع را آماده می نمودند مرتجعین که بوسیله افراد کمیته و با ساداران هدایت و رهبری می شدند حمله را آغاز نمودند . درگیری شروع گردید و محلات شهر با بلوکهای سیمانی و... سنگ پنبندی گردید، بااران سنگ آغاز شد . دختر و پسر، زن و مرد، پیرو جوان بهم فشرده و متحد به حملات ارتجاع با بیخ میدادند . بیوزنی چادر بگرمیته و با سنگ به طرف مرتجعین بیوز میبرد پیرومردی ناسزاگویی سنگ و چوب و... می آورد و با شروع درگیری عده ای از بازاریان و پیشه - ورائی که ابتدا بیوساطت آمده بودند همراه با زنان محلات به مقابل با حملات با ساداران بر - خاستند . تعداد زخمیها لحظه بلحظه بیشتر میشد و شعارهای صدا میربا لیبستی - صدا ارتجاعی با شدت هر چه بیشتر با لامیکر گرفت . صدای رگبار گلوله های آمریکا بی و اسرائیلی اگوش فلک را کر میکرد و گلوله های گاز اشک آور میسندان نبرد را تیره و تا زگرده بود (مردم آتش و دود را برای خنثی نمودن اثرات گاز اشک آور برپسا کرده بودند) مشت گره کرده و سنگ و چوب در مقابل گلوله های اسلحه های آمریکا بی و گساز

- نبرد خونین ۳ ساعته میان مردم و با ساداران در محمودآباد (آمل)
- با ساداران و ما مورس کمیته ، زخمیها را بزور از خانه ها بیرون کشیده و می بردند .
- بیوزنی چادر بگرمیته با سنگ به با ساداران حمله میکرد و پیرومردی ناسزاگویی سزاگ . و چوب می آورد .

از حمله به راه هیما بیانی ها و همچنین عدم مخالفت رژیم ارتجاع و خشکترهای و اسامی آنها نشان میدهد که این حملات کاملاً مورد اسام نیست . هشت حاکمه بوده و حکام ساریک طرح براسمه ریزی شده برای سرکوب هرکس که مبارز - امیربا لیبستی - حدارتجاعی منگند . براسی هشت حاکمه ای که خود را در جرات صدا میربا لیبست معرفی میکنند . چگونه مسواقت در عمل هم صدا میربا لیبست باشد . و بی کسب عواملسان محسن و حسانه دختران و سران و دانشجویان و دانش آموزان سگناه را سرکوب و بااران منت ولکد خود منگسرتند؟

هموطنان سارر!
اسام نوا را مبارز با انقلابی و صدا میربا لیبستی - بالیبستی حلقهای زحمتکش و نیروهای انقلابی بستن اسامی پیرومردی و دستگیری و کشتار نیروهای انقلابی مبارز و پیروهای آگاه جلوگیری اسام . مبارز با خود را محسد و متشکل ساخته . عمیق سرکوب و با سراسری ابرای آباد ، آزاد ، مسفل و دمکراسی - ادامه دهیم .

آخرین اخبار رسد

آمل:

گروهی از دانش آموزان مبارز انقلابی جهت آزادی بااران در سد خود صن تعطیل نمودند مدارس و راه هیما بیانی در شهر مقابل ساداران - ران اجتماع نمودند و صن انشاکری و قاسم محمودآباد دعوت آزادی زندانسان شدند . ادامه بیگیری دانش آموزان بر سرخواستنهان بهمراه خانواده دستگیرندگان که سوام سا شعارهای حدارتجاعی و صدا میربا لیبستی بود سرانجام دستگیرندگان درگیری محمودآباد آزاد می شوند (تعداد دستگیرندگان به ۲۸ نفر میرسد) .

محمودآباد:

۵۸/۹/۱۷ - بقرار اطلاع ، با بازار محمودآباد بغلت اعتراض به سرکوب و خشکانه مرتجعین بحالت تعطیل در آمده .

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا نبه شما نتوانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد . کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به دست ما برسانید .

دستگیری و شکنجه آغاز شد . با یک اعتراض مردم زحمتکش شهر محمودآباد دلسند اسام سار همسان در محاصره نیروهای مسلح و جانفداران و... بود . زخمیها و... را سرور و با شکنجه از منازل مردم بیرون می آوردند . ارتجاع از چوب و اسلحه - لیبست خدمت منگند و اسام آگاه چه خوب آسبه آسیاب ارتجاع و امیربا لیبست میرزد . هموطنان سارر!

این حادثه نشان دهنده ای سست کده در طی چند روز اخیر اسام شده کرده اسام . روز ۱۶ آذر در با ساداران ، اسامی راه هیما بیانی شیکه با طرفان صورت گرفت بخاک و خون کشیده شد .

در بابلسر در راه هیما بیانی روز پنجشنبه ۱۵ آذر که از طرف دانشجویان بیکار با طرفان ارتجاعی بیکار با شرکت دانشجویان سار از طرفداران ارتجاعی طبقه کارگر صورت گرفته بود . صدای از اراذل و اوپاشین ابتدا در صد بدم زدن صفوف راه هیما بیانی بر می آیند . اما چون کاری از دستشان بر - نمی آید ، در شهر به دروغ شایعه برآکی می کنند که "کمونیستها میخواهند شهر را سی را بگیرند" و به اسان ترتیب از احساسات پاک و وطن پرستانه مردم سوء استفاده کرده و اسام را بطرف راه هیما بیانی منگند و وسوسه در حالیکه خود اسان مسلح به چوب و چماق و چاقو ،... شده بودند بیف دختران و پسران نظاره حرکت حمله کرده و با وحشیگری تمام به زدن اسام میوزا زدن . اسام وفاداران با اسامی با لامی بر بندگی بحرمس دانگنده نیز شجا و زگرده ... صن اینکه هر سه چهار نفر بجان یکی از دانشجویان می افتند ، تمامی عکسها و علامه ها و بیوس ترهای دانگنده را کنده و به آتش می کنند . حتی نشانه های دانگنده را هم خرد میکنند و صورت یکی از دانشویان را با تیغ از اسان اسام میزدند . در آمل نیز راه هیما بیانی و نظاره ات صد - امیربا لیبستی "فارغ التحصیلان بیکار" که در آن عده زیادی از دانش آموزان دختر و پسر مدارس آمل و همچنین گروهی زیادی از جوانان این شهر نیز شرکت داشتند ، مورد حمله و خشکانه هیما بیانی اراذل و اوپاشین که با سنگ و چوب و چماق و... مجهز بودند ، واقع شد در این جریان حدود ۹ نفر زخمی شده اند .

بابل: همچنین راه هیما بیانی روز پنجشنبه فارغ التحصیلان بیکار با بابل نیز با حمله و خشکانه هیما بیانی برپه خورد . می بینیم که این حملات پراکنده اسام با این وحشیگری ، در اسامی راه هیما بیانی چند روز اخیر ، در شهرهای مختلف استان روی

چهران با اخراج کادرهای مبارز و معرفی ارتش خواستار با ن آمریکایی اش را با جرم ارتداد

چگونه خواست واقعی توده ها در انحلال ارتش ضد خلقی شاه به ضد خود تبدیل شده است

ارتش ضد خلقی شاه دهها سال آنطور که امیربیا لیستها می خواستند بیرونی یا فتنه و سب و عنان چماق سرکوب عمده در دست رژیم وابسته به امیربیا لیستها ها خاشاکی باقی مانده تنها در سرکوب خلقهای مبارز ایران بلکه در نا بودی جنبشهای انقلابی خلقهای منطقه و سبزه خلقی عمل یگانه گرفته شد. مبارزات زحمتکشان و انقلابیون کشور با توجه به بحران اقتصادی و سیاسی چاره اندیشی که در مکتب رژیم شاه شد در سال گذشته روح بی باغی و بی باکی و بی اعتمادی از همین ارتش را نیز جذب خود نمود. همافران دلیر با قیام انقلابی خود در ۲۱ بهمن ما منطقه عطفی در تاریخ مبارزات میهن ما کنونی و منطقه ما را از امیربیا لیسم، سوز و آبی لبرال و رهبران مذهبی نما عبده خرده - زور و مرفه سستی را در یک مرحله نفس سیرت کردید. با دگانه سازی سبزه های سبزه مردم بی گناه و بی سلاح دست خلق افشا دوا بس برای همه صاحبهای ضد خلقی خطر عظیم شمار می رفت. سبزه های تازه ای از آن سبزه شروع شد با طرح نارس را جلوسید و ارتش را از انقلاب دموکراتیک و صدا میرا لیسمی سبزه ها جلوسید سبزه ها، سبزه های حب و معرفی انقلابی

خواستار انحلال ارتش ضد خلقی بودند تا سبزه های آن ارتش خلق را بپاشند، ارتشی که در کبریا بگانه امیربیا لیسم و اعمال آن سبزه های سرکوب خلقی نباشد، بلکه منت محکم زحمتکشان بر سینه امیربیا لیسم جانی و نیروهای ضد انقلاب باشد. اما توطئه ها یکی یکی پس از دیگری بیابان شدند و از همان روز اول کمونیستها و دیگر نیروهای معرفی سبزه های اینها را در دست موجد شده ارتش سابق بتدریج با زاری شود و هیوزیکال نگذشته است که عملگردهای ضد انقلابی آنرا در نقاط مختلف کشور در سرکوب خلقهای متحدین و مبارزان نا همدیده ایم و آنقدر مورد اعتماد امیربیا لیسم آمریکا قرار گرفته که ۲/۵ میلیارد دلار از لاجرم در دست دریا فتنه کرده است. رکن ۲ (ضد اطلاعات ارتش) با همان هدفها (مانند اسم دیگر) شروع به فعالیت کرد و کمانی امثال تاکرو چهران در راس ارتش قرار گرفتند. انحلال ارتش که خواست سبزه های انقلابی بود از سوی آیت الله خمینی گامی برداشته و هرگونه حرفی و انتقادی در باره سرکوب ارتش و با زاری آن هدایت بنا اعلام فلنداد گردید. بعدها صحبت از تصفیه ارتش کردند بدین معنی که ما حتما و ترکیب ارتش همانطور که بودیم فقط افرادی از کارها

برکنار شوند اما آقای چهران از همان ابتدا همزمان با با زاری ساواک و دیگر اقدامات ضد خلقی و ضد انقلابی ارتش تبدیل ارتش سخن گفت و حالا این "تبدیل" تا بیرون ریختن بسیاری از عناصر مبارز درون ارتش سبزه همافران عملی میشود! تبدیل، آنطور که خواست امیربیا لیستها و اعمال داخلی شان است. اسنادی همراه با اسامی جمعا فریب ۷۰ نفر از کسانی که با زاری اول دیماه ۵۸ اخراج شوند بدست ما رسیده است که کلیشه برخی از آنها را برای سبزه وجهت اطلاع خلقهای مبارز ایران منتشر می کنیم. در کنار لیست اساسی افراد خارجی موارد نام آنان به چشم میخورد محمله "انها مات" "بریکه در مورد غلبه اینس افراد تکرار شده است:

"جیبی، مخالف روحانیت، بخش کشنده اعلامیه های ضد شان خلق، جیبی و دو مکررات، محرک، جیبی و ناسرع با دکومونیستی، تحریک و ایجاد راهیما تنی و تشکیل کمیته (شورا؟) مناقش، مخالف حکومت اسلامی و..."

بیداست که با حسین دیدی، انتقامات دیگری نظیر "ضد انقلاب، سببانی علیه انقلاب، دارای گرایشهای مدمردمی، منفی بان و... که معنای میدهد. جانی که ما واکبها، ضد اطلاعاتی سابق کسانی که به کتبنا را نموده های مبارز پیدا کنند و کسانی که روابط سری خود با امیربیا لیسمها را نه تنها حفظ کرده بلکه نفیست هم کرده اند، در راس کارها قرار دارند و "تبدیل" و "سبزه های فراموشی کبریت منجم است که تصفیه و اخراج باید شامل حال جیبی ها و... کرد. آیا جز این است که جیبی ها هموار را افشا کروم با اقدامات ضد انقلابی هیئت حاکمه، چهران - ها و تا کارها ندهند؟! ممکن است در پس این افراد خارجی برخی تمام شده های درجه دهم (و سبزه های دیگر آفتاب در زدها) هم باشند که با بد اخراج شوند، اما با توجه به ما هیئت و عملگردها انقلابی هیئت حاکمه تصفیه و اخراج و مجازاتهای در حد اعدا منظور عمده شامل برینس انقلابی ارتش می گردد.

چرا سرگرد فضائی را اعدام کردند؟

با بگانه وحدتی دزفول: در هفته سوم آذرماه، در با بگانه نیروی هوایی دزفول (وحدتی سابق) یکی از افران بنا سرگرد فضائی، طی یک سخنرانی از سبزه از قانون اساسی انتقاد کرد. بعد از این سخنرانی عده ای از درجه داران تحریک شده، علیه و نظا هر تری برپا می کنند. فرما شده با دگان بلافا هله ورا دستگیر و پس از تشکیل "دادگاه" سرگرد فضائی را در تاریخ ۲۴/۹/۵۸ اعدام می نمایند!

سا واکبهای رنگ عوض کرده و فرما ندهان دست نشاندگان امیربیا لیسم که کلیشه مور ارتش را هنوز در دست دارند با چنین اعمالی، ارتش به اصطلاح ملی را تحکیم می بخشند و سبزه های اقدامات ضد خلقی بیشتر در آینه در کمیسیون نشده اند...

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۷)

در جامعه سوسیالیستی بورژوا چگونه به زندگی خود ادامه بدهد؟

منا سبات تولیدی ویرسبا و روسا می باشد که انقلاب فرهنگی پرولتاریا را بناگذاشته است. توده های مملوئی با هدف دگرگون نمودن منا سبات تولیدی - اجتماعی و روسای کپشس ضرورت می باشد. تنها مبارزه طبقاتی پرولتاریا در ویرسبا و روسای جامعه است که اجازه خواهد داد منا سبات سوسیالیستی رشد یافته و جامعه طبقاتی سوسیالیستی بسوی جامعه بی-طبقه کمونیستی سون بیدار نماید. تنها سبب اغتلاط کردن است که میتوان استخوانی سولند را رشد داد. سوسیالیسم منسوخ خود وجودی "رشدنیروهای مولد" بلکه حامل مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه منا سبات کپش و سبب بودی است.

در شوروی استیاساها و حزب بلشویک و روسی استالین در بر خورده است نهادها و حکومتی حل آنها و عدم درک علمی آنان از برخی مسائل دوران گذار را کزیر منجر به کندی حاکم بر رشد تولید و کپشها دادن به معنی مبارزه طبقاتی پرولتاریا می گردد. روسی استالینس در "ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی" (استامبر سال ۱۹۲۸) می نویسد: "در اینجا منا سبات تولیدی با موضع نیروهای مولده کلا منا سبات است." (تا کانداز است)

اگر چه روسی استالین بعدها کم و بسوی به استیاسا خود در این مورد بی تردید مطرح میکند تا درست است که تئوریکس و سوسیالیسم "بین نیروهای مولده و منا سبات تولیدی، هیچ گونه تناقضی وجود ندارد، تناقض بدون شک هست و خواهد بود." (استالین در سوسیالیسم شوروی و رهبری آن نمی توانستند استیاسا دورا تحلیل دقیقی مبتنی بر ماتریالیسم علمی از منا سبات طبقاتی و رابطه روسا و ویرسبا ارائه دهند و چنین انحرافی با کزیر نمی توانست به کپشها دادن به مبارزه طبقاتی و بسوزه مبارزه ایدئولوژیک و عدم انقلاب در منا سبات اجتماعی بنا نماید.

ادامه دارد ...

بلکه توسط تکنیسین ها و متخصصین صورت می گیرد، تا زمانی که مهندسین و تکنیسین ها بکار مدیریت پیدا خسته و در کار بردی و تولیدی مستقیم شرکت نمی کنند، تا زمانی که علم و تکنیک منحصرا افراد معدین بوده و سوسیالیست خصوصی آنان بشمار می آید و توده از آنها محروم است و در واقع تا زمانی که پرولتاریا حاکمیت طبقاتی خود را در هر دو ایدئولوژی اعمال نکرده و به مالکیت حقیقی دست نیافته است، منا سبات تولیدی - اجتماعی سرما به داری از بین نرفته است.

بنا بر این روشن است که این منا سبات کپش به معنی عوامل با زار آمده، رشد نیروهای مولده که در این میان "بزرگترین نیروهای مولد خود همان طبقه انقلابیست" (مارکس) عمل میکنند و موجب رشد سرما به داری میشوند. این منا سبات کپش بخودی خود از بین نمی روند و اگر چنانچه هدف مبارزه آگاهانه و بیگرو و طولانی حزب طبقه کارگر نبوده باشد، مبارزات بورژوازی را در بر خورده و در زمینه سقوط قدرت پرولتاریا را فراهم می آورد.

بعلاوه در جامعه سوسیالیستی روسای سیاسی - حقوقی با ویرسبا موجود است و کلا مل ندارد. بقول لنین در جامعه سوسیالیستی "تنها حقون بلکه دولت بورژوازی هم تا مدت معینی باقی می ماند، منتها بدون بورژوازی!" ("دولت و انقلاب"). یعنی نه تنها میا دله بر اساس پول، سود، سیستم استمزدهای تا بر این توزیع نریابه کار یعنی شاعر "کسی که کار نمی کند تا بسد بخورد" وجود دارند، بلکه دولت دیکتاتور پرولتاریا در موقعیتی قرار دارد که بوروکراسی، کارکنان جدا از بیرونی تولید، روشنگران بوروکرات منس - در دستگای آن به هستی خود ادامه میدهد. اما در این امر، در سطح جامعه ایدئولوژی و فرهنگ طبقاتی کپش و سن و عادات ارتجاعی بطرز سخت سرانهای وجود داشته و تکثیر می شوند.

بجهت تحکیم منا سبات تولیدی سوسیالیستی و حل تضادهای موجود بین نیروهای مولده بنا

در مقالات قبل کوشیدیم تا از نظر تئوریک مکان با زکشت سرما به داری در جامعه سوسیالیستی را بیان داریم، از این پس در سوسیالیسم تا به امروز مشخص بعقل ظهور و رشد بورژوازی در شوروی و روسی علیه آن سیر داریم.

در روسیه به هنگام میکه انقلاب سوسیالیستی اکثر صورت گرفت، پرولتاریا از نظر سیاسی در موضع قدرت قرار یافت. پس از آن زبیر رهبری حزب بلشویک لنین و استالین و سبب قهرمانی های پرولتاریا بنسب ال اجرای برتا مه - های پنجاهه اقتصاد، تولید سوسیالیستی انکشاف یافته، در اقتصاد روسای سیستم "ساخت و ساز" و "کلخوزها" غالب گشته و در سبب کلام شوروی در ساختن سوسیالیسم دستا وردهای گرانبها می کسب میکند و به دژ شکستنا پذیر مفاد و مبارزه علیه فاشیسم هیتلری تبدیل می گردد.

لیکن جامعه شوروی در تمام طول دوران لنین و استالین یک جامعه طبقاتی است و در آن مبارزه طبقاتی در اشکال گاه تند و پویانده ای ادامه دارد. بر اساس قانون وحدت هدفین جامعه سوسیالیستی، جامعه ای در حال گذار است، جامعه ای که در آن بقایای عناصر جامعه کپش در کنار عناصر برتدا بنده جامعه نوین وجود دارند. به معنی دیگر، این از پیروزی انقلاب اگر چه در جامعه سوسیالیستی بین رشد نیروهای مولده و منا سبات تولیدی یک هما هنگی موجود آمده و نیروهای مولده در این جامعه نسبت به جامعه سرما به داری از آهنگ رشد بسیار بیشتری برخوردار گردیده، ولی کما کان بین منا سبات تولیدی و نیروهای مولده و نیز بین روسا و ویرسبا تناقضی باقی مانده و کلا مل وجود ندارد و بلکه تناقضی موجود است.

منا سبات تولیدی که تا کلا مل مالکیت و سبب تولید، موضع طبقاتی و کزیر بندیهایی اجتماعی در روند تولید، منا سبات متقابل با بین طبقات و اشکال توزیع بوده خود در عین حال در برگیرنده منا سبات اجتماعی میباشد. در دل این منا سبات است که مرکز نقل تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی قرار دارد. در جامعه سرما به داری مالکیت خصوصی و سبب تولید متعلق به طبقه سرما به داری بوده و این طبقه به حکم موضع مسلط خود در جامعه مستوا استثمار طبقه کارگری بردارد. تا در این بورژوازی و پرولتاریا تضادی آنتاگونیستی بشمار آمده و بنا بر مبارزه طبقاتی شدیدی بر این پایه بوجود آمده و ادامه می یابد.

حال زمانی که انقلاب سوسیالیستی صورت می گیرد و مالکیت خصوصی منسوخ می گردد و نیروهای مولده که در دنیا در منا سبات مالکیت سرما به داری محدود و محدود شده بود، امکان توسعه گسترده پیدا می نمایند. ولی در این جامعه مجموعه منا سبات تولیدی - اجتماعی کپشنا نبوده و بلکه به حیات خود ادامه می دهند. در جامعه سوسیالیستی مالکیت حقوقی بلافاصله به مالکیت حقیقی پرولتاریا تبدیل نمی گردد و پرولتاریا نمیتواند در بر خورده تولید بفروریت بطور کلا مل کنترل و اراده واقعی و طبقاتی خود را در تک سلول تولیدی اعمال نماید.

در جامعه سوسیالیستی تا زمانی که مدیریت و اداره واحد تولیدی نه توسط کارگران آگاه و کمونیست

میتینگ دانشجویان هوادار سازمان پیکار و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - شیراز

روز جمعه ۱۶ آذر، دانشجویان هوادار و مبارز شیراز بمناسبت بیست و ششمین سالگرد شهادت ۳ تن از دانشجویان انقلابی، میتسکی در دانشکده پزشکی ترتیب دادند. میتسینگ دانشجویان با سخن برودهای انقلابی آغاز شد و سپس یکی از دانشجویان در باره تحلیل جنبش دانشجویی مقاله ای خواند. سپس مقاله ای از نشریه ۱۶ آذر خوانده شد و سرانجام پیام سازمان پیکار... کمیته خوزستان و پیام دانش آموزان هوادار شیراز قرائت گردید. در طی برتا مه سرود کارگر، دهقان دانشجویی گروهی از دانش آموزان خوانده شد و شعارهایی در رابطه با پشتیبانی از خلق کرد و محکوم کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا توسط جمعیت داده شد.

جمعیت در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند که سرود دهقان دانشجویی کارگردانسته جمعی خواندند و با شعارهای اتحاد - مبارزه پیروزی و... محوطه دانشکده پزشکی را ترک کردند.

ریشه‌های بحران مسکن در ایران - ۴ -



سهرجال این التیبات خیرت آورد بر سرمانه -
 کداری ساخمان به سرکنهای خصوصی امیرالسسی
 سرترسید . مثلا گروه عمران و سپهرسازی اویانی
 که بروج معروف "مون با راس" (بارسن) بلند -
 برین بنای اروپا را ساخته است . در سراسر ۹۶
 برای انجام یک پروژه شامل ۵۵۰ آبارنسان
 کزایقیمت ۲۲ طبقه در منطقه نوساز آباد شده
 ایران آمد . در همین ماهها مسکنان سرکن
 خانه سازی آمریکا برای اسباب ریس و
 مذاکره با مقامات و وزارت مسکن و سپهرسازی شد
 سپران آمدند که طی آن میرا سود یک سپهرک ۷۰
 هزار تری در منطقه لوپران احداث کند .

برای افساری چون اسنادان . مهندسان و ...
 حل مسند در حالیکه همچون اسطور نیونود است و
 در واقع "علائم سازندگان بنا خارهدادن واحد -
 ها مدام کمترین با مهندسان ... خالی نگاهداری
 خانه ها و آبارنسان ها هیچ بودی را در بر ندارد
 هر سه خالی نگاهداری یک آبارنسان ۵۰ هزار
 سومای در حدود ۷ هزار تومان در ماه است .
 زیرا عادی برین سپرده ها ۱۶ - رسیده است . ۷
 هزار تومان اجازه ما هانه برای یک آبارنسان
 ۵۰۰ هزار تومانی قیمت خوبی است زیرا از ده
 درصدی که میسر است مستحق خواهد بود . وقتی
 صحبت از بلوک های آبارنسانی شامل ۱۰ تا
 ۱۵ آبارنسان سن می آید ، می توان دند که
 صرف نظر کردن از یک درآمد سن ۷۰ هزار تا
 ۱۰۵ هزار تومان در ماه باعث خورد رسانی آید
 و کمایی که این زمان را تحمل نمیکنند در
 انتظار مسیری اندر برای حواهد موحس
 شود . در سپران و سپهرسان ها مسر آبارنسان -
 ها را با سایر ریسر های ما را بدو هماغه منظور
 آبارنسان بنا است در خط خارهدادن مسند و
 دنبال فروش می رود . آن ها مدحسانان
 یک بلوک آبارنسانی فروسند و با حسن یک سا . دو
 بلوک ما را در دست می گیرند . در حال حاضر
 کسانی که سازندولی اجازه هدهد حسی یک در
 مدار سازندگان واحدهای خنده را هم یک کل
 نمی دهند (۵) . سوچه کنند به آنچه که در باره
 ساختن سکنی امکان در مورد دوم برای خرید
 خانه بااره کردیم (۱) . با گفته مهندسان که
 همان در مد کمی هم که با اجازه می بردارند ،
 نمایان به خارهدادن به خارجی ها است .

فنا روسر کوب بر سرین می کشند و حیران است
 اعلائی اغلائی غلبه ها می رسد های افساد
 و اسندها میرا لسم می داد . مدها هزار ریسر
 ارسوده های "خارج محدود" که هدهد و ریسر
 و با بودی حامل سالها ریح و منف خود بخاطر
 درست کردن سگ برسانه دو چهار ریسواری محس
 بود در حرکت و یک ما رراسی خود را شروع کردند
 این حرکت در سادوم رسد و سوچه خود را یک کل
 خنده سوچه را بر زمین طسطنی را در هم بچند و
 بنا میرا لسم آبارنسان لطفا حدی وارد آورد .
 لازم است ارای به مبارزات بر سر
 بوده های مردم در آن سالهای سرکوب و خفسان
 یکیم .

در مرحله ما را با داد اولس بر خورد جمعی
 مردم را مردوران رژیم کز برای خراب کردن
 خانه ها آمده بودند در ۲۵ تیر ۵۸ اتفاق افتاد .
 در این روز تعدادی از مردوران به منطقه
 حمله کرده و شروع به خراب کردن خانه های می -
 کنند . در همین حین عد ریادی از اهالی آرز
 و خده و مرد هائی که در خانه ها بودند به ما متوران
 حمله کرده و ما متوران را سر روی خوین با جار
 به فراری می کند . یکی دور رسد در گیری دیگر
 بی می آید . در این روز دویا زه ما مورین با
 ما سن و جید مسور سکل به منطقه حمله میکنند
 مردم سر که ارفیل آمده شده بودند بنا سر و صدای
 ورود کا میون را می سوچه : آلوک ها و
 خانه ها بنا بر سرین رسده و خانه ها هر چه که دم
 دستان بوده ما مورین حمله میکنند . در مقابل
 ما را هجوم مردم ، ما مورین سپردا ریاب مقاومت
 بنا آورده و ما را سر فرار ریح می دهند .
 در مرحله دولت آباد سکی از اکسن بنام



مبارزات زحمتکشان

"خارج محدود" برای خانه سازی

- مبارزات وسیع توده های که کانون آن در
 جنوب ، جنوب غرب و شرق تهران از سال ۵۵
 شروع شده و در تابستان ۵۶ به اوج خود رسید .
 آتش کرم مبارزه ای بود که از سرخاکستر بنا لها
- (۱) - کیهان ۱۸ تیر ۵۶
 - (۲) - کیهان ۲ تیر ۵۶
 - (۳) - همانجا
 - (۴) - کیهان ۱۱ تیر ۵۶
 - (۵) - کیهان ۹ تیر ۵۶
 - (۶) - کیهان ۲۲ مرداد ۵۸

مخرم کرد و درگیری با ما مورین رژیم ساه
 شهیدی بود . مخرم کرد و با رفوشتی در مسدان
 ظا هری بود که سکت کز به خارهدادن آن محله
 می آندوروی زمین خودن خانه های می سازد . از
 آنجا که سعادت افراد خا سواد هاش زیاد بود . وی
 سعی میکنند که در تقاض زمین دیگری که همانجا
 داشته یک خانه دیگر سازد . استاده هزار
 تومان رشوه به مردوران میدهد و اجازه ساختن
 یک زیر زمین را می گیرد . هنگامیکه با ختمان
 زیر زمین به آخر می رسد ما متوران به آنجا حمله
 میکنند . مخرم به هم راهی زن و بچه اش در مقابل
 تخریب مقاومت میکنند . او به ما متوران می -
 گوید "ده هزار تومان می دهدا دم میدهد تا خسوم
 خراب کنم" ولی آنها زیر زمین را با بولندوز
 درهم می کوبند . در جریان مقاومت مخرم ، یکی
 از مردوران سرا و راه سپهرانی می گوید که
 مخرم بر اثر خورسریز مغزی شهید میشود . زن و
 ما در او هم در این جریان زخمی میشوند .
 درگیری مردم "علی آباد" اولسین بار در
 ۵ مرداد ۵۸ اتفاق افتاد . در این روز ما مورین
 بقعه در صفحه ۱۳

داشتن مسکن ، حق مسلم زحمتکشان است

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از ...

کرد. این قبیل اعمال که از طرف خوانین برای تحت فشار قرار دادن رژیم مابین گرفتاری آنها صورت میگرفت (۱)، به مسئله بیگاری و تورم ابعاد گسترده تری می بخشید. بدلیل ناامنی راهها و درموازی ناامنی شهرهای منطقه برای افراد غیربومی بسیاری از متخصصین غیربومی (و در بسیاری موارد حتی پیشه وران) خردپای غیربومی (فراز را برقرار ترجیح میدادند. نتیجتاً با توجه به دوری راه و کمبود سراسری ارزاق در کشور، مهاجرت نامیین کنندگان اعلی ارزاق و عدم گردش پولی در بازار تورم و کمبود ارزاق عمومی را بسیار چشمگیر ساخت. بدلیل فرا بودن این شرایط حزب جمهوری اسلامی، انجمن های اسلامی (غیربومی) منطقه، سپاه پاسداران و کمیته ها، خودکنترل ارزاق را بدست گرفته در بسیاری از مناطق دورافتاده روستایی و شهری بسین مردم آردوروزین و تایدیمورت مکانی تقسیم شد. (درمقیاسی بسیار کوچک به صورت مستمر). با توزیع روغن و تایدیمورت دولتی از طریق کمیته ها انجام می پذیرد. این اقدامات که همراه با تبلیغات وسیع بفتح رژیم (و عمدتاً بنام خمینی) صورت میپذیرد جز در مناطقی شبیه نشین تا شرمطلبی نداشته و مردم بسا دیده ننگ و تردید به این گونه تبلیغات مینگرند. در این رابطه عده ای به نحوه انجام این اقدامات معترض هستند و در ایرادها اشاره کرده اند. است که افرادی مردم را از خرید اجناس توزیع شده بوسیله کمیته منع میکنند و در زمان کار به تیراندازی هوایی نیز رسیده. بطور مثال قیمت کیسه آرد در بازار آزاد ۱۵۰ - ۱۲۰ تومان، نردعا ملین فروش ۹۵ تومان است که کمیته ها آنرا ۷۰ تومان می فروشند.

با بدخاطر نشان کردن در شرایط فعلی عاملین فروش به بندرت جنس مورد نظر را موجود دارند اما در این مورد وضع کمیته ها بهتر است. نقش خان ها در ایجاد آشوب در منطقه با فروریختن ارکانهای امنیتی حکومت مرکزی در دوران حکومت اختیار رومیست از آن خوانین که سالها مطیع و مواج بگير حکومت مرکزی بودند برای بسط اقتدار خویش و تجدید عهد با گذشته ملوک الطوایفی خویش فضایی مناسبی را یافتند. این خوانین، با مطیع کردن چیره خواران و با بستن خود سعی کردند در مناطقی آب و اجدادی با ردیگر حکام بلانما زع شوند. برای مدتی به باج گیری و جمع آوری برندگان خانگی قدیمی خود پرداختند تا در خانه ها دوباره به بیگاری کشیده شوند. کینه های قبیله ای دو باره خان گرفتند و جا ده ها بسا رناتام و پیرسیم هراس بود. اعظم خان در فتنوج با زور اسلحه از مردم مالیات میگرفت و خا طیان نکت می خوردند. محمدخان میرانلاری و عیسی خان مبارکی در منطقه لانا و بهمنور برای تیراندن و خاموش کردن روستا نشانی که میخواستند مالیات تیراندازانند در منطقه عمل پیدا خندند و یکی از دهقانان را کشتند. در منطقه بنجران خان شیرانی، در دستگیری مولا دادردا زهی و کریم بخش سعیدی، در کنارک جها نگیر خان شیرانی، در سراوان امان الله با ران در سرحدریگی و ایا رحمدزهی ها ترک -

تاری می کردند. با پاکبیری نسبی دولت با زرگان خود این خوانین برای امنیت منطقه از رژیم جدید تقاضای اسلحه کردند و جا لب این است که این اسلحه به آنها تحویل نیندا ده شد. در اردیبهشت ماه نا آمدن خامنه ای (که قبلاً در ایران شهرت پیدا کرده است و بعد از قیام نیز مسافرتها ی مشکوک زیادی به منطقه کرده که اخبار آن هیچگاه در ادبیات تلویزیونی منعکس نشده است) و تماس گیری با بعضی از خوانین سبب اسلحه از طریق سرگرد ضیائی فرمانده هنگ ایرانشهر بفرماندهای سران میشد. بعنوان مثال به مولادادخان سردار زهی (چاه بهار و دشتیاری)، محمدخان میرانلاری (ایرانشهر) بهرام خان مبارکی (سراوان)، هریک از ۸۰ تا ۱۰۰ قیسه اسلحه از طرف ژاندارمری تحویل داده شده است.

خوانینی که اسلحه دریافت کرده اند از مرتجع ترین خانها و غلامان خلقه بگوش محمد رضا شاه بوده اند و پس از بیخ اسلحه نتهتها به امنیت منطقه کمک کرده اند بلکه بسین از پیش به نامنی منطقه افزودند بطوریکه اسلحه بسیاری در جاده های خاش - ایرانشهر - چاه بهار خان خود را در طول تابستان ۵۸ از دست دادند. سلطان نیوروش و محمدخان بهاری و خورشیدی معاون فرماندار چاه بهار و عبداللهی شرومنداران - شهری و بسیاری دیگر به سرگوان گرفته شدند و پس از تحویل باج ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان بسی آزادگشتند. با آمدن پاسداران غیربومی به منطقه و کنترل جاده ها توسط آنان امنیت نسبی ای برقرار شده است که بیشترین دلیل آن ارزیابی خوانین و در بعضی قسمتها کنارت آمدن موقتی خوانین با رژیم جدید است. هنوز کوشه و کنار راهزنی ها و قتل های پراکنده صورت می گیرند و از اقتدار خوانین نیز چیزی کم نشده است. در شرایط جدید که به این خوانین از طرف رژیم قولهای داده شده است اما بدلیل نا پایداری اوضاع و موضع گیری شفاف بعضی عناصر رژیم (مانند ادعاهای دادستانی انقلاب مبنی بر بازرس گرفتن اسلحه ها که توسط دولت خدا نقلی حاکم بسین خانهای

سندج در دست خلق

فلا در شهر سندج اداره سیاسی شهر در دست سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) می باشد و در مورد تمام مسائل روزمره مردم به آن مراجعه میکنند. سازمان (کومله) از روزی که وارد شهر سندج شده شروع به خلع سلاح جاش ها و هواداران مفتی زاده که مسلح بودند کرده و تعدادی از جاشها را که در کشتار مردم دست داشتند دستگیر کرده است. البته روز اول ورود بیشترگان، خود مردم به هر کس که بدبین بودند دستگیر میکردند و تحویل سازمان کومله می دادند که بیجا طریق وجود دنیا مدن هرج و مرج از این کار جلوگیری کردند.

در یکی از میتینگ ها، سازمان زحمتکشان یکی از جاشها بنام معروف شبلی را که قبلاً دستگیر کرده بود پس از تحقیقات لازم چون در کشتار مردم مستقیماً دست نداشت و با توجه به بسا نه خویشی که به هیئت مذاکره دولت در رابطه با آن می گردیدند از دستگیر و اواز ه دادند که در پشت تریبون قرار بگیرند و از نظرات

مرتجع توزیع شده) خوانین را بیکدیگر نزدیک کرده است و عیناً مرزبیک تراشها بسی دارند که از رشد رانما بسی توده های مردم از رژیم جدید بفتح خویش بهره گیری کنند و در مناطقی که فعالیت نیروهای مترقی چشمگیر نبوده است متداول روز (مانند خود مختاری، اما بقیه) نه منفع توده های زحمتکش بلکه منفع خوانین مرتجع (!) بسپح کنند.

بسیاری از خوانین مانند اسرارکی ها، میرانلاری ها و مبارکی ها و سعیدی ها و سردار زهی ها که در رابطه با سیستم ملوک الطوایفی با یکدیگر تافته های دارند و گذشته بر سر نمایندگی مجلس و قدرت منطقه ای با یکدیگر در رقابت بوده اند اکنون به یکدیگر نزدیک شده اند و بسرا انتخابیک شیوه و روش در مقابله با دولت و نیروهای منطقه با یکدیگر کفایت تشکیل می دهند. کفایت های معروفند: ایرانشهر، میراچاه و ... آنرا که بسی در جلب توده های آگاه و بسم خود دارند بسا طرح مسا ثلی مانند "حق ملی"، "خودمختاری" بسی می کنند و در خود را که آلوده بخون مردم زحمتکش منطقه است بسپان سازند و آب نظیر سران را بریزند (۲). کرچه با اسلحه گیری نیروهای مترقی بس منطقه این خواست نتوانسته اند نیروی عظیمی را در مقابل خود بسپح کنند اما قدرت نامنی محمدخان میرانلاری و ا غلام و فاداری خوانین منطقه بسب به (و) و نظا هراسی که خسرا (ا وائل آدریاد ۵۸) در چاه بهار صورت گرفت نمونه فعالیت خوانین و زنگ خطری است که برای سما بسرو - های مترقی که علاقمند به اسلحه هستند بساد درمی آید.

ادامه دارد ...

- (۱) - نمونه محمدخان میرانلاری که بساد این خواهم نمود.
- (۲) - شایعاتی راجع به تماس گیری اسرار خوانین با نیروهای مرتجع شیخ نشین هیا و حتی بختیار بسیر بیخ شده است.

خود دفاع و با انتفا دگیند و مستقیماً با عبات مبنی بر شکنجه شدن خودشان اندیداً نکتد کرد و از خود در رابطه محتشایی که در دوسرینا مسه تلویزیون بر علیه سازمانهای سیاسی و خلق کرده بود انتقاد کرد و از سازمان زحمتکشان برای پذیرایی که در آن مدت از او کرده بودند تشکر نمود. شهر سندج اکنون در محاصره شدید نظا می قرار گرفته. دولت اصولی را که مبنی است بر آتش بس قرار گرفته بود از جمله خروج پاسداران و انحلال سپاه پاسداران در کردستان و عدم نقل و انتقالات نظا در منطقه بسپح وجه توجیه نکرده و هیچ کدام از آنها را عملی ننموده در رابطه با آن شهر بدست هنوز در دست سپاه پاسداران و ارتش است در شهر سندج هنوز سپاه پاسداران در مقرشان مستقرند، منتها هیچ قدرت اجرایی ندارند.

و در رابطه با محاصره نظا می شهر سندج سازمان انقلابی زحمتکشان در یکی از میتینگ ها شای که تشکیل داده بود (در جواب سوال مردم و اظهار رنگرانی مردم که می گفتند دوباره ارتش

و با داری می خواهد بسیار بدوی شهروان را بیست -
مرکان می خواهد شهرا ترک کنند و دوباره ما
را بدست با سداران و امثال خلخال بیسارند)
کنند که تا موقعی که مردم آما دگی دفاع دانسته
با نند و بخوانند معاف و مت کنند بیستمرکان هم
همگام با آنها در شهر می ماند و او را شهز خوددهما غ
میکنند و آنها فقط در موقعی حاضرند بیسترون
رغس از شهر هستند که مردم از آنها بخوانند، نه
بناظر قدرت سمائی ارش در دور و سرشهر .

نبرد بلوچ

"رشد در کرسیهای احبر اهدان"

سروهای انقلابی و مترقی در منطقه
بلوچستان، در کرسیهای احبر اهدان را از قبل
سین سینی میگردند و به خلق همدار می‌داند
در همین رابطه خبرهای زیر را از "نبرد بلوچ"
ساره، د میخوانید:

زاهدان

در رابطه با خبری که از طرف حزب اتحاد -
المسلمین از راد سو سی بی. لندن در مورچه
۵۸/۹/۱۶ بحیثی، جامعه، سیاسیها سر موضع
خود را طی اطلاعهای در این مورد اعلام نمود
به کمی اراس اطلاعهای کی سفکسک:

در بیان اعلام می‌داریم که هر گروهی
ارکاسی که سپیدانی سنی سرخک ملجان
سعاد، جامعه، سیاسیها با تمام قدرت و امکا -
با ساجه، نظامی خود که همگونی در آما دگی
کا مل و مرحله، نیز سیر می‌برد، از این حرکات
مذبحانه که عا مل آنها امیرالیم و صیو -
سیمسین المللی در منطقه است بدت جلیو -
کری خواهد نمود:

درصن نامه، برکادهای بنام حمیرت
آب الدالطمی خمینی از طرف کمیته، مرکزی
حزب اتحاد المسلمین بنام دارند کسه در آن
با دآوری نمودند که در منطقه فتودال وجود
ن دارد و هیچ بولطه، مدخلی از جانب صدا نفلات
وا میرا لیم و صیو سیم در این منطقه صورت
ن گرفته و عوامل بنحاح در منطقه را به گروه
حامی نسبت داده است .

ما به این مرجعین و عا صرمعلوم الحال
حزب اتحاد المسلمین و جامعه، سیاسیها و
ساجه، نظامی اش که در مرحله، آما دگی و مرحله،
سیر می‌ند، یعنی، با سداران، این مزدوران با زه
بدوران رسیده می‌گوئیم که خلق بلوچ و مردم
سار زستان از رفته‌های نوم شما که هدی جز
براه نداختن حمام خون از سودهای نا آگاه
ن دارند، بخوسی آگاه است و این جنگ قدرتی که
ساختن بنخلق در مدد بر راه نداختن آن و
اینکه به رژیم مدخلقی ثابت نما شد که کدام
جان لایق بگهداری و حفظ امنیت منطقه هستید
ترکت نخوا هد نمود.

آری خلق مبارز بلوچ، آری مردم مبارز
سیستان بیوش باشید که خوانین با همدستی
حزب معلوم الحال اتحاد المسلمین از یکطرف و
جانپتکاران ناخه، نظامی مدخلقی اش یعنی
جامعه، سیاسیها از طرف دیگر شما را به برادر -
کشی وادارند، شما شی که طی سالیهای متناهی در
کنار یکدیگر زندگی می‌کرده اید، ما در اینجا

از جوانان آکا هبلوچ و بستانی می‌خواهیم که
نقشه‌های این خوانین را در میان توده‌های
زحمتکش افشا، نمایند .
"مرکز بر ارتجاع محلی دست نشانده و حیره خواری
امیرا لیم آمریکا!"
در افشا، این حرکتها به همین زودی شوند
ها شی از طرف گروه ما (سید بلوچ) منتشر خواهد
ند .

ایران شهر ۵۸/۹/۱۳

در این روز که چهارمین روز اعتراضات و
نظا هرات مردم بر علیه فاشون اساسی "محمول
خبرگان" بوده است، فرما سدارا بران شهر در
جلسه‌ای موضوع حکومت نظامی را در ایران شهر
مطرح می‌کند و حی در ان مورد تصمیماتی نیز
گرفته می‌شود، اما سطل احتلاقی که از جانب
فرما سده، هک زاندار می در می‌گیرد، این
موضوع و این طرح منقعی می‌گردد، اما با سدار -
ان با ساما بجهرباد در حیا با نهی شهر و
فرما ساری مسفر می‌شوند و خود را آما سده،
بیرانداری می‌نماید، اما از آنجا که دانست -
آپوران و دیگر حکمتگان ایران شهر مسوجه
بولطه‌ها شی از جانب خوانین می‌شوند در سطح
شهر شروع به افشا، حرکت خوانسینی می‌نمایند و
مردم را از نظا هرات با می‌دارند و مردم را به
مسجد دعوت می‌نمایند تا روین با زدهای اتحاد
نمایند، مردم در مسجد جمع می‌شوند و مرتجعین
و عا صرمعلوم الحال از گوشه و کنار خود را جمع
می‌سازند و سعی می‌کنند که راه طلبانی ارائه
کنند که منافع خودشان، فقط منافع خودشان را
در برداشته‌اند که با اعتراف شدید جوانان
آگاه روبرو می‌شوند، در این گروه‌ها شی فقط
خوانسینی د ماده‌ای فوری مطرح می‌شود که
با بر سر تکمیل شورای مردمی و گرفتن امور
انظامی از دست با سداران و تعیین افراد
مطمئن و ناخشای از جانب مردم سمت فرمان -
دار و تکذیب خبرهای دروغین از راد سو سده است
اما از آنجا که ارتجاعیون در این جلسه نفوذ
می‌کنند و سعی می‌نمایند که فقط حرف، حیرت
خودشان با ند جوانان بعنوان اعتراضی جلسه
را رگ می‌کنند. ■

بقیه از صفحه ۱۱

ریشه‌های ...

شهرداری با بولدور و رولودور برای تخریب خانه -
ها شی می‌بایند که طی چند روز اخیر ما خسته شده است .
مزدوران دو خانه را در بالای محله خراب می‌کنند
و به تخریب خانه‌های با شین محله هجوم می -
برند که با معاف و مت یکبار چه حدود ۲۰۰ نفر از اهالی
مواجه می‌شوند . مردم با هر آنچه دم دستشان
بود به ما مورین حمله می‌برند . چیزی نمی -
گذرد که ما مورین فرا را بر فرا رترجح می -
دهند و بدون اینکه بتوانند حتی یک خانه از
با شین را خراب کنند، در می روند . مردم نیز
بسی از این جریان فاشا نه و فاشا دارمقا و سبب
یکبار چه جان با ختن و تعمیر خانه‌های خراب
شده و سایر خانه‌ها ادا می‌دهند . یک هفته
نمی گذرد که ما مورین مجددا دریا زدهم مرداد
حمله ور می شوند . اما این بار با توجه به نکست
مفتخا نه شان در دفعه قبل ، کا ملا با تجهیزات
می آیند . ۱۷۰ - ۱۵۰ ما مور شهرداری با ۲۴
ما شین مرکب از تعدادی لودرو بولدور و رولودور
افسروپا سبار شروع به تخریب خانه‌ها می‌کنند .

جمعیت زیادی جمع می‌شوند . هنگامیکه ما موران
به دومین خانه می‌رسند ، مادی بدفاع از خانه اس
برخاسته و خودی را جلوی لودرو می اندازد می -
گوید : "با خانه ما را خراب کنین با خودم را کشتین"
ما موران شهرداری نیز که از فرما معلوم سه
پستیبا سی ما مورین شهریانی و ژاندار مری
دلخوش کرده بودند ، بدون توجه به گفته‌های
این ما در بقصد تخریب خانه ، لودرو را پیش می -
رانند که به وی امانت می‌کند . مردم ساری
سرون کشیدن این ما درما ز را ز بر جرجهای
لودر هجوم می آورند که در همین حین ، حمله
به ما مورین از سوی مردم شروع می‌شود . مردم
که از چند روز قبل آما سده بودند و همه چیز
را برای حمله آما ده کرده بودند شروع به حمله
کردند . مدتی نمی گذرد که ما مورین با تمام
وسایل تخریبشان فرار می‌کنند و سه ما شین از خود
برجای می گذارند . همچنین سه نفرشان هم
زخمی می‌شوند . از مردم نیز دو نفر در این
جریان زخمی می‌شوند . دوستگاه زما شین ها
هم بوسیله مردم خشمگین خرد می‌شوند و یکی هم به
آتش کشیده می‌شود .

در منطقه با خجی آما دن نقطه اوج مقاومت
مردم در ۵ مرداد ما ده ۵۸ و هنگامی بود که
ما موران شهرداری به قصد تخریب خانه‌ها حمله
کرده بودند . مردم قسمت جنوبی با خجی (که
بسیترجا درها و آلونک ها در آن قرار داشت) به
ظور دستجمعی و متحد به ما موران حمله کرده با
سک و جوب شروع به خرد کردن شیشه‌های ما سین -
ها وردن ما مورین می‌کند . ما مورین عقب -
نشینی کرده و با بولدور و رولودور ما شینهای خود فرار
می کنند .

در چند روزی یکبار ما مورین خانه‌های
مردم را بطور ناگهانی مورد حمله قرار داد و
تعدادی را خراب می‌کنند . سدار رفتن ما مورین
شهرداری صاحبان خانه‌ها که کم کم سروکله شان
بیدا می‌شود تصمیم می گیرند فرادی آسرو ز
برای اعتراض به شهرداری سرود که هم اجاره
با ختن مجدد خانه‌ها را بگیرند و هم خسارت وارده
در اثر حمله شهرداری را مطالبه کنند . تعداد
مردم پس از رسیدن به شهرداری از ۵۰ - ۴۰ نفر
تجاوز می‌کنند که ما مردمی که برای کنجکاو ی
آمده بودند مدتی می شوند . اما در اجتماع د و
روز بعد - شنبه ۵۸/۶/۵ - تعداد بیشتری حدود
۷۰ نفر جمع می‌شوند . در روز اول اجتماع مردم
سراغ شهرداری می گیرند . شهرداری که جمع شدن
مردم در جلوی شهرداری را می بیند از در عقب
شهرداری فرار می‌کند و فاشا مفا شهرداری نیز از
ترس درهای انافش را قفل می‌کند و در انفاق
سسته یکبار می بریزد ، مردم و از ما ختمان شهر -
داری شده و شروع به تکستن شیشه‌ها می‌کنند . در
همین هنگام ما شین های شهریانی سر می‌رسند و
مردم را متفرق می‌کنند .

در جوادیه تهران با رس دزد و خوردهی که
ببین ما مورین شهرداری، ما مورین انظامی و
اهالی در جریان تخریب خانه‌های نیم ناخنه
خارج از محدوده در گرفت تعداد زیادی از مردم
مجروح شدند و در عملیات تخریب خانه توسط
مردوران رژیم ما نیز حدود ۴۰ خانه نسیم خانه
خراب شد .

اینجا بود نمونه‌ها شی از مفا و مت‌های
قهرمانانه توده‌های "خارج محدوده" . گرسنه
تقدود، معده

بقیه از صفحه ۷ نظرات ...

یکی از پیرمردان که صورت چروکیده و سوخته اش نشانی از سالها رنج و مشقت میداد ، در مورد فتحعلی خان چنین میگفت :
" فتحعلی خان قاتل است ؛ جانی است ، خاش است . او زندگی ما را برباد داد . او سالیان سال خون ما را مکیده است و حالا که دستگیرش کرده ایم ، ما زنده را ۷ میلیون تومان رشوه گرفته و وی را آزاد کرده است " و در حالی که بدت عمیانی بود ، شعار میداد : " مرگ برما زنده را !"

یکی دیگر از پیرمردها می گفت : " بیست و چند سال است زارع هشتم ، فتحعلی خان مزدور گورستان ده ما را با خاک یکسان کرد تا در آنجا کشت کند ، او حتی به مرده های ما نیز رحم نکرده است . بعد از انقلاب نیز بلافاصله زمین های ما را که ما لیا روستا زحمت کشیده - ایم ، فروخت به یک عده از سرما به داران غیر کوبومی و ما دستمان بجای بندند که شد ، ما انقلاب کردیم که فتحعلی خانها اعدام شوند ، زمینها مال خودمان باشد ، اما حالا فتحعلی -

بقیه از صفحه ۷ نورا نقلی ...

شماره افراد کمینه و یا مداران و فرمانداران از زمینهایشان بیرون میکنند .

خوش نشینان روستای "خمی" بدنیال عمل انقلابی خود اطلاعهای مادر کرده و ضمن آن عمل پشتیبانی مردم شدند . متن اطلاعیه چنین است :
اطلاعیه شورای خوش نشینان جمعی :

ملت مبارزان اهالی محترم شهر نشینان داراب ، دانش آموزان غیور :

ما خوش نشینهای قریبه جمعی که جز محروم - ترین طبقه ای جامعه ای ما شده ، زرزیم سنگین بپلوی میباشیم توجه ما را به جریانات و وضع این روستا طلب میکنیم . برای اطلاع یافتن از وضع این روستا احتیاج به شناخت کامل این روستا میباشند . برای این منظور لازم میآید که گزارش زیر را بنویسیم :

این روستا در ۸ کیلومتری داراب واقع شده است و دارای ۱۳۰ خانوار با جمعیت حدود ۱۷۰۰ نفر میباشد . و دارای ۱۸۰۰ هکتار زمین قابل کشت است که ۱۴۰۰ هکتار آن منعلی به مالک و ۴۰۰ هکتار دیگر متعلق به ۵۶ نفر از اهالی این روستا میباشد . بقیه مردم این روستا که عمده آنها در حدود ۱۲۰۰ نفر میباشد خوش نشین هستند (زمین ندارند) از این صد و بیست نفر ، ۲۰ نفر آنها بر روی ۱۴۰۰ هکتار زمین مالکی با ما می ۱۰۰۰ تومان کار میکنند ! آیا این عادلانه است که ۵۶ نفر از دهقانان این روستا بر روی ۴۰۰ هکتار زمین کار کنند و مالکان ۱۴۰۰ هکتار زمین را که یک چهارم آنهم زیر کشت نمی رود با ۲۰ نفر کشت کنند ؟ و این در شرایطی است که ۱۰۰ نفر از جوانان این روستا بر اثر اینکه راه کشورهای خلیج نشین ، بیرون رفته اند ، بیکار و بیکار و گرسنه شده اند . بیچاره ها که حتی در وقت خود کفایتی در وقت ندارند ، مادر صدها آدمیکه قسمتی از زمینهای مالکان را که زیر کشت نمیرفت کشت کنیم تا هم گامی در راه خودکفائی کردن کشاورزی کشور برداشته باشیم و هم شغلی برای ما باشد که بتوانیم لقمه نانی بدست آوریم . ضمناً به

خان آزاد میگردود ما مثل گذشته باید برای دیگران زحمت بکشیم .

عده ای از جوانان محل نیز به جنبانیهای فتحعلی خان اشاره میکردند و از جمله اسمی از یک زن فاسد را می بردند که فتحعلی خان از طریق او عده ای از دختران را فریب داده و بدینا نشان کرده بود . یک عده دیگر اظهار میدادند که فتحعلی خان با افراد صلح خود را همدستی زاندا زمری محل ۶ نفر از اهالی را باقتیل رسانده است .

★ ★ ★

کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما همگی میدانند که آزاد گذاشتن کماسی چون فتحعلی خان در حالی است که مزارات کارگران و دهقانان بدست سرکوب میشود و هر گونه صدای حق طلبانه ای با مارک " فداغلابی " در گلو خفه میشود . و اینجاست که باید گفت آیا حکومت " مستضعفین " همین است ؟ آیا مزارها " مستکبرین " همین است ؟! فساوت را بپذیرد که کارگران و دهقانان زحمتکش و - گذار می کنیم .

پشتیبانی فزاینده شما احتیاج داریم .

" شورای خوش نشینهای خمی "

■ نرو دیشتم

در روستاهای مرودین - سراسر کریم زمین - های زراعی در اختیار رسوالتها و جان می - بائد و روستا نشینان محروم روز مرد برای جوانان کار میکنند . از جمله در " بند امیر " در حدود ۴۰۰ هکتار زمین که قبلاً عظیم زارهای این منطقه را نیز شامل میشود ، در اختیار رسوالتهای مرتجع و خونخوار قرار دارد . در مرودین سراسر ضد فئودالی روستا نشینان را فراموش کرده اند . دهقانان در روستای " کربال " زمینهای فئودالها را تصرف نموده اند ، اما این کام اولسب که برداشته شده ، نور ضد فئودالی سرعت طوفان در میان دهقانان کسر نمیباشد و سرود که دهقانان برای همیشه های بوسیده فئودالی را صدبار بکنند .

■ نخستینی

همراه با او حکمرانان سراسر دهقانی در در این منطقه خواست مربع دست به نهجا جسم و جنبانه ای غلبه شده های مردم رده اند . در روز ۱۵ آذر جوانان مربع " دره سوری " که در راس شان خسروان سفاسی قرار دارند در منطقه " ما هور میلائی " متفرق شدند . در روز ۱۸ آذر در - گیری مسلحانه بین جوانان بوسیده های زحمتکش دره سوری شروع شد و در طی این مبارزات ، یکی از جوانان مزدور بنام " آیار جان " کشته شد .

★ ★ ★

در روز ۱۹ آذر بدعت دانش آموزان و دانشجوینان عناصر نظرات وسیعی جهت محکوم نمودن سوطه های کثیف و خاشنا نهجوا - میسون مرتجع برپا شده و بر اینان نظرات فطنه ما - ای دایر بر محکوم نمودن اعمال خاشنا نهجوا - نیان خلق سلاح تمام آنها و اعدام شهراخان ، ناصر خان و خسروان از سوی نظر هر کشتکار خواننده شد . در طی نظرات مردم فهرا مان عناصر برسیا دادن شعارهای از قبیل : " ایادی آیار خان دشمن خونخوار ما ، زمینهای جوانان بنفیع مستضعفین تقسیم باید گردد و ... " خشم و نفرت

بقیه از صفحه ۶ وظایف ...

ارتباط فعال این دولت نمود . از یکطرف نایستی با کابرتلیبی و تسویجی فعال در بین کله خلق - های زحمتکش ایران و بویژه طبقه کارگر جهت بردن خواسته های عادلانه خلق کرد و خشی و افتا نمودن تسلیحات عوامغریبا نه ارتجاع و سیمتریس - اقتار و طبقه زحمتکش را به پشتیبانی از ما - زرات خلق کرد پسج نموده و به حمایت فعال از آن مبارزات بکشانیم . از طرف دیگر با سستی با کار فعال و آکا هکرا نه در بین نوده های زحمت - کش خلق کرد بیوندنا کمسنی مبارزات انقلابی آنها را با مبارزات دموکراتیک و عدا میریبا - لسنی با برنقاط ایران توضیح داده و اسبکه خواستها و اهداف زحمتکشان کله طغیهای ایران سپاه در جمهوری دموکراتیک خلق برهری طیفه کارگزار است که بدست می آید .

۴ - کمونسینها و سروه های انقلابی با ست کوش مسیری را در جنبانیا ، و معتقد بیوند خریبا با سارکنا رزوا سبکه در زیر لوی حقون ملی خلق کرد خود را سپاه نموده اند ، اتحاد بدهد و احاره بدهد که چون نوده های انقلابی خلق کرد و حه المبعلا حداس خریبا با سرات بقدرت رسدن و امبار کریم و معان با سار ارتجاع حاکم فرار بکشد .

۵ - هم بطور که خلق بر یک عده خواهانها و اهداف واقعی بوده های زحمتکش خلق کرد در جوان این رژیم سبک دست و آسرا آوردند کسندین جهت با دستاظر سروس و سجم و همد - جا سپه رزمیرا بعد از یک دوران سفت سراتی سرو ما مان دادن با و مانع ساسی . نظامی خود را دادند . بدین جهت نادرک سیاسی - سکلیسی وسطی و آما دکی کا مل برای معالجه با حمله مجدداً ارتجاع و همجنس محکم و کسیرین دستا وردهای انقلاب گویند ... ■

بی با مان خود را از جوانان آسرا رساندند . اما جوانان در مقابل این حرم نوده های مردم سمنوا سینه آرام سسید و طبق میمول از طریق مردوران خود دست به تحریک و سوطنه زدند . روز ۲۱ آذر همین مردوران بکشان فرود - سی " علم " حمله کرده و سراسر تحریک کانسروسی تمام وسایل موجود در کانسروسی ، حی لوازم - التحریر را سرف بردند چرا که جوانان حساب شخص میدهند که آکا می نوده ها دست آنهاست

■ فیروز آباد

جای دست ، روستایی است که در ۶ کیلو - متری فیروز آباد قرار دارد . در این روستا محمد حسین خان برادر خسروان معروف الحال که ذکرا حوالا اود را لار قسه ، جدی قیبل ۸۰ هکتار زمینهای دهقانان را بیوزرا بلحه تصب کرده است . محمد حسین خان در روز کوشی و ستم بردهقانان نه سنها از دیگر فئودالها عقب نیست ، بلکه با اعمال خود حتی گوی سیف راسر از دیگران رسوده است ، با میرده اخیراً ۷۵۰۰۰ کیلو بدر جهت کشت در زمینهای غمی دهقانان تهیه نموده و با تمام نیروی دار ددهقانان را که بر علیه فئودالها بپا خاشنا اند ، سرکوب کند . اما اگر دیگر برادران فئودال اوتوانسه اند با زور کوشی کاری از پیش بپزند ، او سیر خواهد توانست . مبارزات فهرا مان نوده ها - نان نشان میدهند که عمر فئودالها بسر آمده و پیروزی از آن دهقانان است . ■

نقدارمحه ۲

شبهه سرخورد...

سورزوی ننده، دست‌انما رزات واقعا ضد امیرالیستی خودبرندا رتدودننا لهروساست. های ارتجاعی هیئت حاکمه نشوند!

رفقای فدائی معتقدند، درحالیکه بوده. های خرده سورزوی و جناح سیاسی آن درهشت. حاکمه درکبر مبارزه با امیرالیسم آمریکا و سورزوی و استبداد امیرالها (اصطلاح "سورزوا" ری و استبداد امیرالها "دیگر حصه جدیدی است، مانعی داسم، ولی میباید گفت که تقریباً همه چیز می توان از آن برداشت نمود!) است. بیولنا را با سازوی حماسه فعل و انفعالات کند، باید دید آیا واقعا جنبش خیری در است؟ و آیا موضع بیولنا را در حران "مبارزه حاج خرده سورزوی مرفه در قدرت و وسایط نمود آن آسآله خمسی تا امیرالیسم آمریکا با دموضع حماسه و پستی باسد؟

زفعا! مبارزه دارم مبارزه! مبارزه مسلوسها کارگروهها و خرده سورزوی شهری غلبه امیرالیسم و دربر آن امیرالیسم آمریکا دارم. "مبارزه" جناحهای مختلف هیئت حاکمه سرخوکی حل بحران سیاسی - اقتصادی را خمدوسرکوب حسی بوده ای هم دارم. مادریکمدند، همبا همدا رزات فبرما - تا نبوده های رحمتکن غلبه امیرالیسم و رژیم و استبداد حاش سودموم "مبارزه" خاشا سد سورزوی لبرال تا امیرالیسمها بر سر تقسیم قدرت را خمدندم.

آیا باید بیولنا را از مبارزات ضد امیرالیستی بوده های رحمتکن خلق حمایت نماید؟ بدون سردند آری. بیولنا را که خود سس از هر طیف دیگری جدا از نظر سیاسی و جدا از نظر اقتصادی اریستله و استکی روح می برد. می تواند در سیاسی مبارزه ضد امیرالیستی تراز گرفته و در آس راه ادا حفظ سما بر طبقی خود از هر مبارزه و انفعالات امیرالیستی، و لوجرئی و محدودنا بر افتار و طبقات خلقی سربطور جدی پستی باسد. لیکن آیا "مبارزه" جناحهای مختلف هیئت حاکمه سرخوکی حل بحران سیاسی - اقتصادی را خمدوسرکوبی تخمین می بوده ها، با خرافات کما بدن مبارزات ضد امیرالیستی آنها، با ریس گرفتن ذبا ورده های انقلاب و سرکوب جنبش مردم و کسرتده توده ای، قابل ناشد و پستی بیولنا را می باشد؟ خیر! این مبارزه قابل ناشد بیولنا را نیست! مادرا بر تحلیل های سازمانی خود، از جمله در زمینه نشر بیگاری (۲۴) مضمون حرکت هیئت حاکمه، انخفاف و عملکردهای اخیر آمریکا مور دیرسی فرآ ردا ده ایم، لیکن در اینجا فقط قابل ذکر می دانیم که بنظر ما این حرکت، نه یک حرکت واقعا ضد امیرالیستی، و نه یک حرکت مبارزه جویانه بر علیه سورزوی وابسته بلکه یک تغییرنا کتیک، تحت فشار جنبش توده ای، و بر اساس تضادهای درونی هیئت حاکمه می باشد.

سیر حرکت شورای انقلاب و شخص آیت الله خمینی، بعد از قیام تا بحال صحت تحلیل بالا را زوس می نماید، طی ۵ ماه بعد از قیام، تا تلفیق شورای انقلاب در دولت، شورای انقلاب و آیت الله خمینی بعنوان دنباله روان

سورزوی و ارتجاع، در عین حال دارای عمل-کرد نسبی ضد امیرالیستی و مغرنا نبوده. (تکمیل دادگاههای انقلاب و محاکمه و اعدام سعادی از سران رژیم میلی، برخی عملیات کمینه ها در دستگیری عنا مرزدا انقلاب و... اما اس حرکات ضد امیرالیستی محدود سورای انقلاب و آیت الله خمینی طی دوره تسل از تلفیق با دولت سدرج کمربک سروسرکوب می کشند تا اواخر در در زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت، دیگر ما نا حدکوبکس غلطکرد میرنا نبورای انقلاب و با تخریب آیت الله خمینی سسیم. طی اس دوره قبل از تلفیق وظیفه ما در کار افتادی ما هفتاد کارکا را سد شورای انقلاب و خمینی، حمایت سوروزار آنها بود. لیکن بعد از تلفیق شورای انقلاب و دولت، که مستقیماً نتیجه اس در سرکوب سسما نیک و با برنا مه خلق کرد، جمله سد نظرات منالمت آمیز در رابطه با توقف روز-تا مه آسذگان، توقف نشریات مترقی، حمله

رفقای عزیز! کارگران ما، ما هاست که مبارزه ضد امیرالیستی می کند. لیکن با این وجود، با زهم آنها را متهم به آمریکائی بودن می کنند تا مبارزات ضد امیرالیستی شان را در تطفه خفه کنند. مسلم است که اگر کارگران دنباله رو سیاست هیئت حاکمه شوند و از مبارزه واقعا ضد امیرالیستی دست بردارند، هیچوقت به آمریکائی بودن هم متهم نمی شوند!

بدها تریا رما نه های انقلابی و... انعکاس یافت، و طیفه ما نه حمایت حتی مشروط از شورای انقلاب و خمینی، بلکه طرفدافتی آنها به عنوان "صدا انقلاب" می باشد. بعد از طوسی بر وجه تلفیق شورای انقلاب در دولت، سرخورد دوکانه های شورای انقلاب و خمینی، نه فقط عدم درک ما را از اهمیت حرکت طبقات مختلف جامعه و تقابلی حاکم بر آن می رساند، بلکه عملاً نشان می دهد که در اوا هم امیرالیستی نسبت به حرکات طبقات مختلف تده، فادریه تعیینی و طایف خود (بیولنا را) نسبت به حرکات این طبقات مختلف نیستیم.

آیا حرکت اخیر هیئت حاکمه راه عوامی تعیین می نماید؟ آیا شورای انقلاب کسه دست تا ارتج بخون پاک خلقها، کارگران و دهقانان ما اغشته تده، بیگاریه انقلابی تده است؟ آیا آیت الله خمینی که طی ۹ ماه اخیر مستقیماً و صریحاً به سرکوب جنبش کارگری توده ای امرکز کرده بود، تا کجا با صدا امیرالیستی می شود؟ خیر رفقا! این تغییرات نه در عالم واقعیت، بلکه در دنیای ذهن شما حاصل شده است. حرکت اخیر، تحت فشار جنبش او کسرتده توده ای و تلاش مذسوخانه هیئت حاکمه در سد انحراف کشیدن این جنبش، و بر اساس تضادهای درونی آنها شکل می گیرد. اسن جناحها علیرغم تضادهای درونی شان، در سرکوب جنبش توده ای، دارای وحدت کامل میباشند. اگر آیت الله خمینی واقعا ضد امیرالیست بود (حتی بطور محدود، مشروط و...) از کجترین حرکت واقعا ضد امیرالیستی کارگران و دهقانان و سایر توده های رحمتکن خلق ما پستی باسد و حمایت میکرد! "برای مبارزه واقعی بر ضد سلطنت نرایی، برای نا مین واقعی آزادی که فقط در گفنا و فقط منحصر به مواعدوشیرین - زیانیهای میلیوکف و کرسکی نباشد، دولت جدید با ادا کارگران "پستی باسد" نه کارگران از دولت جدید!" (لنین، منتخب

آثار، ص ۴۴۹) رفقای فدائی و طرفداران سه اصطلاح آکا هطفه کارکزمعتقدند که برای اینکه هیئت حاکمه، کارگران را سد آمریکا شی سودن منبمکنند، کارگران را سد از آنها و مواعد و شرس را سنها و اصطلاح مبارزه ندا میرنا - لستی سان حمایت کنند! رفقای فدائی از اس هراس دارند که کارگران تا آکا هراسه آمریکا شی سودن منبمکنند، لیکن از اس هراس ندارند که خود، بیولنا را را تبدیل به زاشنده سورزوی نمایند! شما حدخواهد وحدتخواهد، عمل شما اس منبمی نبود، رفقا معتقدند که در گردن و بردوام سرسدن سکانکی کارگران نسبت به سیاست (همسان سیاستهای هیئت حاکمه!) "تدستی نبود، خرده سورزوا و توده کارگران را (کارگران تا - آکا هراسه!) در من زده و در نتیجه وحدت این متحد طیفه کارکرد میرنا رزه ضد امیرالیستی را متکل-تری ما رد.

رفقا! همان بهتر که با شی بیولنا را

● رفقای عزیز! کارگران ما، ما هاست که مبارزه ضد امیرالیستی می کند. لیکن با این وجود، با زهم آنها را متهم به آمریکائی بودن می کنند تا مبارزات ضد امیرالیستی شان را در تطفه خفه کنند. مسلم است که اگر کارگران دنباله رو سیاست هیئت حاکمه شوند و از مبارزه واقعا ضد امیرالیستی دست بردارند، هیچوقت به آمریکائی بودن هم متهم نمی شوند!

با خرده سورزوی حول سیاستهای هیئت حاکمه متکل نشود! همان بهتر که بیولنا را با دور کردن و بردوام کردن سکانکی خود نسبت به سیاستهای هیئت حاکمه، خرده سورزوی توهم رده را از خواب سدا زکرده، بطرف خود کشاند! رفقا! شما بدسالم خرده سورزوی توهم رده افتاده، از رجعت بدستی خرده سورزوی نسبت به حرکت مستقل بیولنا را، بیولنا را رادنباله روسا ستیای آن می کرد اسد. آری، این است سیاست هواداران آکا هطفه کارکا! شما برای اینکه وحدت (با ما شی) توده های کارگزار را توده های خرده سورزوی ممکن کرد اسد، سیاستهای مستقل بیولنا را را سد سطح توهم خرده سورزوی سزل می دهد! اس است جان کلام شما. اگر سیری صدا انقلاب در منبم ما در توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه نهفته است، و اگر فقط یک سات واقعا مستقل و بدورا زهرگونه سزل بیولتری است که می تواند توهم خرده سورزوی را نسبت به رژیم ضد خلقی شکسته، با یکاه ارتجاع را محدود و شکننده نماید، پس پیش سوی اجرای این سیاست! پیش سوی سدا زکردن توده های خرده سورزوا - ری و پیش سوی اتحاد منبمهای عینی و واقعی براساس برنا مه حدافل بیولتری!

بدها این ترتیب، هنگامیکه رفقای فدائی از "تیکانه شدن" کارگران نسبت به سیاست توسط ما دم میزنند، این "سیاست" را با سیاست سیاسی سورزوا شی دانست و نه سانی بیولتری، و هنگامیکه اس رفقا از دور کردن کارگران از مبارزه ضد امیرالیستی جزی توسط ما دم می - زشد، این مبارزه "صدا امیرالیستی" جاری رابا یست ما توریختی از هیئت حاکمه، تحت فشار توده ای و بر اساس تضادهای درونی هیئت حاکمه دانست. یک مبارزه ضد امیرالیستی واقعی!

به این ترتیب رهنمودی که رفقای فدائی به کارگران می دهند، نتیجه ای جز تبدیل بیرون لاریا به زاننده بورژوازی و تسلیم شدن در برابر برسیا تنها و مواضع هیئت حاکمه نخواهد داشت. هواداران واقف آگاه طبقه کارگر و طبقه دارنده همواره مدافع سیاست مستقل بیرون لاریا نبوده و فعالیت تبلیغی و ترویجی خود را مبتنی بر حفظ این استقلال و تمایز طبقاتی بیرون لاریا و درک مصالح واقعی طبقات دیگر و پشتیبانی مشروط از آنها قرار دهند.

واقفان ای ناسف بسیار است که در شرایطی که کارگران و سایر توده های مردم، مبارزات خود را بر علیه امپریالیست ها، انحصارات امپریالیستی و سرمایه داری وابسته در ایران شدت بخشیده اند، درست در شرایطی که "معین قدر" وزیر نفت رژیم جمهوری اسلامی بناچار (و عدالته که تائید این اقرار برای لایوئالیستی سازگارها و خواستهای بی شما نیست که تنها بحال این رژیم مرتکب آن شده است) به خواستها و تمایلات کارگران مبارز شرکت های حفاری سدکو و... مبتنی بر ملی کردن این شرکت ها تن درمی دهد و با لایحه در شرایطی که نفتگران رزمنده و دلیر شرکت لائوای خواستار ملی شدن شرکت های وابسته نفتی لایکو، بان آمریکن، ریمینگو، سو - فیروان و سرب و ماسا در سرمایه های امپریالیستی آنها شدند... رفقای فدائی این دوستداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر، کارگران را به دنباله روی از سیاستهای بورژوازی و ضد انقلابی هیئت حاکمه می کشاند. اگر منظور شما از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی اینست، در چنین صورتی هیچگاه نباید نگران سیکانگی کارگران سیکارا را از این سیاست ویر - دوام نترسید این سیکانگی خود را اینجا مانع کنارت کارگران سیکار شما خواهد کفت: سیکانگی از چنین سیاستی (سیاست مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی حاکم) هر چه بردوام تر باد!



بیرا مون چگونگی "سیاسی کردن" مبارزه منفسی کارگران توسط هواداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر

در بحث قبل، درباره مضمون سیاست و چگونگی به سازی کشاندن بیرون لاریا به خرده بورژوازی و بورژوازی توسط این رفقا صحبت کردیم. روشن است که این مضمون در ناگتیکها و روش مبارزه نا شیرگذاشته نمی تواند در این زمینه نیز موجب اختلاف شود.

در این باره بطور مشخص میتوان به نظرات و تحمّن کوتاه مدت کارگران سیکار در روز ۲۱ آبان ماه اشاره نمود. رفقای فدائی مدعی اند که: "اکنون میست - های خط ۳ و در رأس آن سیکار، فقط برخواست اقتصادی کارگران تا کید میگردند و برای این کار حاضر بودند (همچنانکه با آن موافقت کردند) صرف نظر از آنکه جو عمومی مبارزاتی جامعه در چه چینی سر میزند، کارگران را به تحمّن بی - سوئم، طولانی بکشاند".

برای آنکه خواننده بهتر به درک قضا بنا نایل شود، تاگزیریم توضیحات هر چند طولانی بیرا مون نظرات کارگران، علت آن و چگونگی پیشرفت آن بدهیم.

همانطور که این رفقا خود می گویند: "روز ۲۱ آبان نمایندگان تصمیم می گیرند که برای شنیدن جواب خود (بیرا مون به خواست اصلی) به وزارت کار بروند" (بیرا نترا زمانست...)- کاران در جریان راه همیشگی خویش شعارهای زیر را می دادند: "به گفته بارزکان، کارگران سیکار برضد انقلابند" و...

همین جا قابل ذکر است که رفقای فدائی عمداً از ذکر شعارهای "امریکا، ارتجاع ناسود است خلق ما پیروز است" و "امریکا، ارتجاع دشمن خلق ما" و... نظره رفته اند!

در مورد اواداشتن کارگران نه خصمی - موقع طولانی مدت و بدون توجه به جو عمومی مبارزاتی جامعه، باید بگوئیم که اختلاف ما و رفقای فدائی در مورد دحض بی موقع (در مورد طولانی بودن سخن بعد از توضیح میدهم) اما سبب برمی گردد به نحوه ارزیابی ما از همان چیزی که رفقا تحت عنوان "جو عمومی مبارزاتی جامعه" از آن یاد کرده اند. بسیار روشن است که رفقای فدائی، با توجه به ارزیابی و تحلیل سیاسی خود از جریانات اخیر (اشغال سفارت و سقوط بارزکان و...) و تکیه روی مواضع ضد امپریالیستی جناح خرده بورژوازی حاکم و در همین رابطه ضرورت پشتیبانی از اقدامات این جناح "در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها" منطقیاً با بدهیم همانطور که خود اشاره کرده اند "انتظار برای فعال و سا - محدود بیرون لاریا را در این نبرد" از این اقدامات داشته و از بیرون لاریا و نمایندگان سیاسی آن بخوانند که در چنین شرایطی از این هرگونه تحمّن خودداری کرده و منقلا از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند.

و اما همانطور که تملا اشاره کردیم، تحلیل و ارزیابی سیاسی ما از وقایع اخیر از این حیثی که این رفقا در تماد است و بزعم ما حرکت اخیر چیزی جز یک هم آوایی و هماهنگی ظاهری از سوی بخشی از هیئت حاکمه (خرده بورژوازی مرفه سستی) با مبارزات ضد امپریالیستی بوده، نسیب و نوعی عقب نشینی حساب شده برای حفظ و تثبیت قدرت سیاسی این بخش و در عین حال کل هیئت حاکمه می باشد. ما چنین ارزیابی ای از طرف ما هیچگونه دلیلی برای جلوگیری از تحمّن کارگران سیکار وجود نخواهد داشت و ما طبقه داریم که در خلال همین اعتمادات و تحمّن های نیز راه واقعی مبارزه بر علیه امپریالیسم را نشان دهیم. و در همین رابطه ریاکاری، تزویر و خیانت هیئت حاکمه را نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه از آن مهمتر در زمینه سیاسی نیز به توده ها خاطر نشان میازیم.

اما در مورد خود تحمّن، جریان امر از این قرار است که نمایندگان کارگران سیکار طبق قرار قبلی، قصد داشتند ابتدا مقابل وزارت کار تجمع کرده، بعد از بررسی شرایط نسبت به ورود به وزارت کار تصمیم بگیرند، چرا که بنا به گفته خود رفقای فدائی، کارگران سیکار برای گرفتن جواب از مسئولین شورای انقلاب به آنجا آمده بودند. لیکن هنگامیکه میل نظر هر - کنندگان به وزارت کار نزدیک شد، کنترول

نظرات از دست استقامت و نمایندگان بیرون رفت و کارگران بی اختیار از سرده ها بالا رفته و بدخل وزارت کار هجوم بردند و به این ترتیب عقب نشینی نوام نیز اندازی ما بواسطه پاسداران را موجب شدند.

کارگران در وزارت کار متحصن شدند و نمایندگان خود را برای اخذ جواب از مسئولین وزارت کار و نمایان "شورای انقلاب" فرستادند. طی مدتی که نمایندگان به بحث بیرا مون حواس - های کارگران می بردا حصد، و بارها سبب جواب شورای انقلاب به کارگران سبب، کاران و روشنفکران آگاه را نسبت میگردون. به بحث بیرا مون اوماع جامعه، سانسهای هیئت حاکمه، بهبوده بودن سانس سروا منظار، افشای گری بیرا مون اهداف هیئت حاکمه را افعال سفارت، درباره مضمون واقعی مبارزه ضد امپریالیستی و آن چیزی که در حرف هیئت حاکمه انجام میدهد، بیرا مون خواسته های صغی سیاسی کارگران، در دورسخ آبان و بعد میسود اوماع اقتصادی کارگران بعد از تمام، مسئله سیکاری و ضرورت اتحاد طبقه کارگر و... می بردا حصد. خص تا عمراً بیروزا دادا است و پس بعد از آنکه جواب شورای انقلاب رسید سوانسب با شد) کارگران تصمیم گرفتند دوباره در خانه کارگر جمع نمایند.

ذکر اس نکند سردا سجالارم است که علمبرغم تا صحر کوشی های رفقای فدائی در مورد سوانس بیرون خط سیاسی - سیکلاسی نسبت به انجام خص در از مدت تا آنکه ما اطلاع داریم هیچ کس (بحر سوانس گروه اترت دهفای) خص بی موقع و طولانی را سبب نکرده و با آن موافقت نکرده اند. خص در از مدت تنها از جانب این گروه سبب شده که مسورد مخالف همه قرار گرفت (در همینجا سبب است نکه اشاره کنیم که مخالف بیرون خط سا - سی - سیکلاسی یا بیروان این گروه و چگونگی آنرا سستی آنها محدود سبب مورد سبب و سایر موارد از جمله حرکت آنرا سستی آبان در روز خص را نظیر سوانس سفارا ما ریک در محصل خص و... نیز شامل میگردند) لیکن از این نگاه های مختلف، بیرون خط سیاسی - سیکلاسی در عین حال که با خص در از مدت مخالف بودند (چرا که اولانازی به اس شده ما ریزه سبب، تا نسبتاً امکان حفظ و تدوام خص دلیل عمومی می جنبش و احتمال زیاد جمله ارتجاع به خص کنندگان وجود داشت) با خص کوتاه مدت (تا عصر روز ۲۱ آبان) موافق بودند تا طی این جریان بتوانند پاسخ خود را حتی - المقدور از شورای انقلاب دریا فت کنند (بنا به گفته مسئولین وزارت کار، شورای انقلاب می - با است پاسخ درخواستهای کارگران را در آروز میداد) این تحمّن کوتاه مدت برخلاف تصور رفقای فدائی که همواره گوش دارند، آنرا آلت ترنا تنوی در برابر ما ریزه ضد امپریالیستی جلوه دهند، در عین حال که روی خواستهای صغی تکیه و بی فشاری داشت، بهیچوجه در مقابل مبارزه ضد امپریالیستی قرار نمیگرفت و همان طور که توضیح دادیم افشای گریهای سیاسی بیرون - ان خط سیاسی - سیکلاسی چه در جریان راه بیما می وجه در حین تحمّن همرا با مضمون

نسخه از صفحه ۲

بزدلی ...

قدرت را تسخیر کرده‌اند و می‌توانند. نهادها و نهادهای که جناح خرده‌بورژوازی هیئت حاکمه با بوزرواری لیبرال و وابسته دارد. که البته وجود این نهادها را نمیتوان انکار کرد. نباید موحش شود که سرعمومی حرکت هیئت حاکمه در برابر خلق مبرا موش‌گردد. اختلافات میان این جناح خاص و شخصی سر حفظ سلطه مستقیم و همسایه امیرالیمیم آمریکا که سیاست بوزرواری وابسته و لیبرال است و با تمایلات جناح خرده‌بورژوازی بقدرت رسیده‌ها ملا و فقی نمی‌دهند. وقتی در درود روشی با مواضع انقلابی و سایرین با بدیرتوده‌های مردم قرار می‌گیرد و موافقت کل هیئت حاکمه محط می‌آیند. بسیار کم‌ترنگ و ضعیف می‌نویسند. حاکمه خرده‌بورژوازی در قدرت بنا بر ما هست. با رنگارنگی آن‌ها می‌تواند محبوسه بدیرتوش طرحها و برینا مه‌های این خائنین بسوز می‌گردد. سوسه‌اس اعطاف و برترش را میتوان در فنون طرح و برینا مه‌بردی در مورد کربوکاها از طرف آت‌الله خمینی دید. اخیراً بزدلی مطرح کرده است: "در صورت خارج شدن ما از آمریکا به عقیده من نباید بگروگان آمریکا بی‌رحمانه محکوم و بی‌رحمانه هدف قرار بگیرد. محاکمه نخبی این‌ها را باید هدف محاکمه آمریکا بنا شد..." (کسیان ۲۰ آذر ماه)

اکنون که حتی مترجم‌ترین لیبرال‌ها و وابستگان به امیرالیمیم نیز مجبور شده‌اند، آمریکا را به ما حمله بگیرند. و این خودشان دهنده با عظیم‌ترین زرات خدا امیرالیمیم است. مردم است. بزدلی نیز تک عوی می‌کند و با اظهار اسکند هدف باید حاکمه آمریکا با آند ز سرخورد عملی وقایع با مسئله گروگان‌ها فرامی‌گردد. چرا که ز نظر و محاکمه گروگان‌ها و بطور کلی کم‌ترس اقدام مقاطع علیه این جاسوسان و مزدوران امیرالیمیم منجر به شکست خواهد شد. شکست نیز از دید این چیزی نیست جز لطمه خوردن منافع امیرالیمیم و سیستم سرمایه‌داری وابسته حاکم ایران. از نظر اقتصادی بزدلی محاکمه آمریکا، یعنی تشکیل یک دادگاه فرمالیته، چندخطی و غلط به علیه جناحیات آمریکا در ایران، رای به محکومیت آمریکا و دیگر هیچ! این تمام مبارزه‌ای است که بزدلی و بزدلی‌ها می‌خواهند با امیرالیمیم آمریکا بنمایند. که در شرایط کنونی جنبش در بحبوحه مبارزات عمیقاً خدا امیرالیمیم مردم با بدگفت‌گه‌ای به مبارزه، بلکه عوام‌فریبی محض است. یعنی با ما متعالی کردن خواسته‌های انقلابی مردم بشعوی که نه‌سیخ بسوزد و نه کباب، نه آمریکا لطمه زایدی ببیند و نه هیئت حاکمه، قال قضیه هر طور شده‌کنند. مردم مبارزه با امیرالیمیم را نه در حرف بلکه در اقدامات عملی وقایع می‌خواهند. آنها همیشه از همان

رفقای فدائی است. اگر در سیاست دچار دنیا‌له روی و راست روی میشوند، در عمل دچار حرکت غیرشده‌ای می‌گردند. این است شیوه "سیاسی کردن" مبارزات کارگران توسط هواداران با صلاخ آگاه طبقه کارگر!

در خانه لازم است توجه داده شود که رفقای

سروکارسانی و نه بوزروایی‌های بسیار مهمتی داشت.

لیکن رفقای فدائی راه حل دیگری برای کارگران بیکار را ارائه داده‌اند:

"سیاست اصولی در اس مورد اس بود که کارگران بیکار می‌بایستی ضمن راهنمایی وزارت کار، مبارزه با امیرالیمیم و مبارزه برای تأمین کار را در شعارهای خویش و شیوه، اصولی تلفیق کرده و چکیده‌نما بسوی ارتسدن بوزارت کار و خواندن قطعا مه‌ای حاوی تلفیق دگرگنده، راهنمایی خویش را نسبت به ارت آمریکا با ادامه میدادند و در مقابل شعارت قطعا نندای متکی بر ضرورت ترک عملی کارگران نویسنده کارگران بیکار در مبارزه خدا امیرالیمیم نویسنده‌ها و ضرورت مبارزه برای حقوق اردست - رفقه بیکار ما در دستموندند.

مسلماً به نفعنا ممنون حرکت این رفقا مردود است. بلکه سوسه سرخورد آمان ما نازاراب کارگر آن سترار نظر ما حالی از اسکال نیست. کارگران برای گرفتن حوات خود ارتورای افلاط اقدام بر رفتن به وزارت کار سرخوده‌ها. رفقا بیکار اس خواست کارگران را فراموش کرده، بسدون پاسخ مشخص دادن به اس خواست، آنها راسته خلوی رفقای متسکانه! ناآلادار خراج خرده‌سوزواری هیئت حاکمه سسیمی کنسد.

همان کارگران بر عمن شما تا آگاه، با بد در عمل نه سینه‌بوده‌بودن وعده‌های شواری افلاط... ترسند و طبقه ما افسای رژیم و اهداف مداخلاتی آن و بریدن آگاهی دگرگانیست و سوسه لیمیتی به میان کارگران است، لیکن سماعای افسای هیئت حاکمه در اس محسوسه (و به الزاماً فقط در اس سسیر) کارگران را به ناکند مداخلات متسکانه.

روس است که ما از مورد بیخنی و سرخورد نخبی محبت متسکانه، خط‌ه‌رات بیزامون باشد مبارزات خدا امیرالیمیم نویسنده‌ها و شرکت عملی کارگران در مبارزات خدا امیرالیمیم لازمت و بسیار هم لازم است. (هنا نظور که چند روز بعد از طرف کارگران بیکار انجام گرفت و موضوع جریان سیاسی - تکنیکالی روشترا زهمه بود) لیکن در اینجنا مبارزات کارگران و تجربه خودشان را در نظر گرفتن، همان امری است که شما انجام میدید! "و اما برای اینکه واقعا تمام طبقه و توده‌های وسیع زحمتکش و تحت ستم سرمایه‌چنین خط‌مشی‌ای را بپذیرند، تنها تبلیغ و ترویج کافی نیست، برای این کار تجربه سیاسی خود این توده‌ها لازم است" (لنین) و تجربه سیاسی خود این توده‌های کارگر در جریان نظ‌ه‌رات و تصن ۲۱ آبان‌ماه، چیزی از این تجربه است که نمیتوان آنرا در نظر نگرفت و از روی آن گذشت.

زمینه عظیم مبارزات اقتصادی طبقه کارگر فقط یکی از ابزارهای ما جهت بسزیدن آگاهی سیاسی بديرون طبقه و افسای هیئت حاکمه و تبلیغ و ترویج سوسه لیمیم است، لیکن همین زادر نظر گرفتن، همان کاریست که رفقای فدائی میکنند، (در باره مبارزات سیاسی آنها هم که قبلاً توضیح دادیم و بدینم که از چه مضمون و محتوایی برخوردار بود). این مورد و موارد دیگری از این قبیل، نشان دهنده پیشین غیرتوده‌ای از شیوه مبارزه

زمان که فریاد می‌زدند: بعد از شاه سوسه آمریکا است، خواسته‌ها را در ده‌های نظ می‌بسا آمریکا و تمام امیرالیمیم است، دیگر بسزیدنگ امنا، و لنگر کردد، صنایع وابسته به فورسنت و واقعا ملی شده و سرمایه‌های امیرالیمیمی و وابسته‌ها دره‌گردد، دست سرمایه‌داران حیا ول- کرخا رچی و وابسته‌ها خلای اراقتما ذملمکت کونا ه‌شود، به بهره‌کشی و فخر و بسکاری و سرکوب مبارزات توده‌ها خا نمده‌ده‌شود، با تشکیک شورا‌های کارگری، دهقان‌ها و دیگر شورا‌های خلقی امور مملکت با متارکت و سنج، فئصال و

بزدلی این سرسپرده سیاستهای امیر - یالیمیتی نامور رسیدگی به خواسته‌های مردم میشود تا احتیاطاً با یکسری اصلاحات - اصلاحات تاجایی که برای رژیم امکان داشته باشد - محبوسیتی دست و پا کند.

همه‌جا نخبه مردم را دره‌گردد... و اورواختنیتی چون بزدلی بیشتر ما نه‌جرات می‌کنند و با آراش طرحها و برینا مه‌های "بیکاری"، در خلال نخسان دیلما نیک خود قصدان دارند که هر چه زودتر امیرالیمیم را از این تنگنا نجات دهند. ولجما اکنون اینها دیگر نمی‌توانند به شیوه گذشته منافع آرا با خود را حفظ کنند. امروز دیگر وضعیت است که این خائنین هم محسوسه از محاکمه امیرالیمیم می‌کنند و بی‌رحمانه محکوم آمریکا بطور کلی و به‌عنوان اقدامات عملی و سببه خوبی است برای آنکه ما زنها و تسلیم - طلسمی‌های هیئت حاکمه بسوزد و ما به اند. آخر امروز کیمت‌گه از مبارزه با آمریکا حرف نزنسد. اما جناب بزدلی و امثالهم با ما مریزنگی‌ها بسنا کور خوانده‌اند. عمر در میس و شیوه‌های اصلاح طلبانه این آقا با زمانی دراز است که به‌با با رسیده‌ها. ما نگونه‌که بنخبیا ربا روشهای با رلماننا زبستی و اطلاعاتش از طرف مردم سبه سرعت و با قاطعیت زانده‌شد، اینان نیز بدیر با زودچنین سرنوشتی خوا قنده‌شت (همچنانکه تا کنون نیز اعتبارشان را به میزان زسای از دست داده‌اند) بزدلی‌ها و جبران‌ها، امروز این تاش و فرست‌لاش بر خوردارانند که خما بیت خمینی به‌مراه آنها است. اولی شوقا ستهای عمیقاً خدا امیرالیمیم مردم نقد آتیکنی است که اجازده‌ده‌این عملیانه‌ها و زودبندها بسز سرنوشت و حیات نیک طلت‌اذا مه‌بیرا کند و نه اینان دیگر قدرتی در چفته‌ها رند که بتوانند به‌رحم توده‌ها کسب حیا بتا. زهران با نفوسد مذهبی و... سیاستهای خود را بسز مردم تحمیل کنند. مبارزات توده‌ها بوزمانه انقلابی در حرف و انقلابی در عمل را روشن می‌کنند و بدیر با زودنا هدرانده شدن بزدلی‌ها هم‌زمنه عمل و سبه طور کامل خواهیم بود و این سرنوشت‌گریز نا پذیر همه‌خائنین به انقلاب، همه مترجمین و همنما زشکاران است.

فدائی در جریان نخس محدود و روز ۲۱ آبان حتی بکبار هم بر ضرورت راهنمایی تا کید نگردند! آنچه را که در مقاله مورد بحث متذکر شده‌اند صرفاً مثال است که بعد از پایان تحصن موفقیت آمیز ۲۱ آبان کارگران بیکار در وزارت کار بدان دست یافته‌اند!

● ● ●

بقیه از صفحه ۱

تا می‌دهد و میکوشید آنها را "پاک" و "انقلابی" معرفی کند.

"مدتی است که مطالبی درباره آقایان همکاران مستقیم و درجه اول من آقایان معاوی - نین نخست وزیر را انداخته اند. من بطور صریح میگویم افرادی داشته شده‌ای مطمئن ترو مناسب - ترا زویا کتر از این سه نفر یعنی دکتریزدی ، مهندس صاحبان و مهندس امیرانتظام من اگر پیدا کرده بودم آنها را بعنوان معاونت در نخست وزیری می آوردم ." (آیندگان - ۲۶ فروردین ماه ۵۸)

در آ و را اینجا است که در حال لیکه امیرانتظام خود سرگرم جاسوسی بود در زمینه افشاگریهای انقلابیون پیرامون قطب زاده ، بزدی و خودش با کمال بیشرمی به خبرنگار با صدا میگوید : "عناصرد انقلاب چون قادر نیستند در درو سا انقلاب مبارزه کنند ، سعی دارند روحیه مردم را با برآکندن شایعات بی اساس تضعیف کرده ، افرادی انقلابی را منتهم ... به وابستگی بسوی آمریکا و سازمانهای جاسوسی میکنند ."

(با مداد دوشنبه ۱۷ اردیبهشت)
امیرانتظام در تمام طول مدت بلبل رسانی ، حزکی گوئی ، دروغگوئی و باوه سرا - شی کاری نکرد ، وی برای فریب مردمی که میرانه خواستار لغو و افشای قرارداد های اسارت آ و را میرا لیبستی بودند در ترو ه های تلوزیونی و بی بی سی بیرونده های فطور قراردادها را سرمد نشان میداد و میگفت : برای بررسی این همه قرارداد وقت لازم است ، او همچنین بی - نرمانه اظهار میداشت که میخواهد این قراردادها را با وکلای آمریکا شی مطالعه کند!!

در همین رابطه ما در بیگنا شماره ۴ (۳۱ اردیبهشت ماه ۵۸) نوشتیم : "تا بداز ... امیرانتظام ، این سرما به دارواسته بزیسیده که آبا برای لغو این قراردادها سه ماه وقت و مط - لعه با وکلای آمریکا شی تان لازم بود ؟!"
از آنجا که بسیاری دیگر از دوستان "پاک" آقایان بازرگان و بیاران و فاداران میرا لیبسم آمریکا همچنان در ارکانها و سازمانهای دولتی حضور دارند و این مزدوران همگی شبیه بهم به زحمتکشان و نیروهای انقلابی حمله میکنند و حقایق را وارونه جلوه میدهند ، برای شناختن بیشتر آنها ، گونه‌هایی از مباحثه و اظهار نظرای امیرانتظام را نقل میکنیم ،

وی درباره خودش میگوید : "... به کار آزاد برداختم و با ایجاد یک شرکت کوچک با ختمانی و تجارتی که با خصوصیات اخلاقی من وفق میداد گذران کردم ، البته در این مدت به ۶۴ کشور جهان مسافرت کردم ." (با مداد دوشنبه ۱۷ اردیبهشت) این شرکت کوچک که آقای امیرانتظام با "هزاریدختی" از قبیل آن "تان بخور و نمیری" درمی آورد و به ۶۴ کشور جهان مسافرت میکند ، شرکت پلانینگ است که تا سندیگی ۱۵ کمپانی آمریکا شی را در ایران برعهده دارد !

با بستن موسسات ، کارخانجات و سازمانهای مختلف روسا را خودشان انتخاب کنند ، مخصوصاً در ارتش غیرممکن است و تمام کشورها شی که یا (منظور موجودات جاسوسی و وابسته به امیریا - لیبسم) آنها را بصورت کشوری با دمگراسی واقعی میشناسیم (البته مانند آمریکا !!) ، این اجازه به آنها داده نمی شود . *

(آیندگان - ۹ اسفند ۵۷)
ودرجای دیگر در همین مورد میگوید :
"عده‌ای با این عنوان که چون کارگر کارخانه هستند میگویند بابتی در سر نوشت کارخانه دخالت کنند ، با بدبخت مدیر کارخانه را خودشان انتخاب کنند که عملی است غلط این عمل را دولت یک عمل ضد انقلابی تلقی میکند و مجازات برای این افراد قائل خواهد شد ." (آیندگان - شنبه ۲۶ اسفند)

و با : "چه در شهران و چه در شهرستانها ، گروه - هائی هستند که با شایعه این ایده در کارخانه نجات ویا ننگها و ادارات مختلف که آنها با بسد رشتستان را خودشان انتخاب کنند ، اینجا دعوتال میکنند ." (آیندگان - ۹ اسفند ۵۷)
امیرانتظام این سخنگوی خائن و همواره دروغگوی دولت بازرگان در برابر اعمال اعتراضی کارگران و زحمتکشان بشرايط سخت زندگیشان میگوید : "دولت برای مبارزه با افراد ضد انقلاب واخلالگران در کارهای تولیدی ساکت نخواهد بود و در حال حاضر گروهی از این افراد از جمله یک استاد دانشگاه و چند دانشجو که در کوره پزخانه با پرداخت ۱۲۰ تومان به کارگران از کار آنها جلوگیری میکردند بازداشت شده اند که دادگاه انقلاب مشغول رسیدگی به پرونده های آنان است . (با مداد - دوشنبه ۱۷ اردیبهشت)

امیرانتظام در این مباحثه ادعا کرده بزودی نام و اسناد و وابستگیهای این عده اعلام میشود ، اما پس از گذشت بیش از ۸ ماه اگرچه از آنها خبری نشد ولی اسناد وابستگی و جاسوسی خودش منتشر شد !!
وی در حالیکه عناصرتلوی و انقلابی را مدانقلابی معرفی میکند ، در باره سخ خبرنگاری که میرسد : آنچه مسلم است تیمنا سرلنگر قهرنی تقریباً عامل اصلی کشتار مردم بی دفاع کرد - ستان عنوان شده است ، آبا دولت در مسورد شناختی و معرفی عاملین کشتار را خیر کردستان اقدامی خواهد کرد ؟ میگوید : " من متاسفم که شما از تیمنا قهرنی که یکی از دوستان و همکاران با ارزش ما بودید به انصورت نام بردید و من جداً این موضوع را تکذیب میکنم "

(آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین ۵۸)
امیرانتظام درباره دعوت به کار محمد کارشنا سان خارجی میگوید : " آنچه مسلم است اینست که مدت زمان زیادی لازم است که ایران از وجود کارشنا سان فنی بی نیاز باشد . بهمین جهت بمجرد اینکه دولت سا زندگی را آغاز کند ، از این فسیل کارشنا سان کمک گرفته خواهد شد "

(آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین)
ملاحظه می کنید که ایشان با چه عجله ای باز گشت کارشنا سان خارجی (منظور تان همان جاسوسان و مستشاران آمریکا شی است) را انتظام میکنند !
وقتی امیرانتظام ها بازگشت کارشنا سان خارجی ! سرکوب کارگران ساز و زواریه های

انقلابی را زیر پا می خد انقلاب ضروری میدانند ، طبیعی است که با سازی سا واک را که یکی از ارکانهای سرکوب است ، در دستور کار خود قرار دهند! وی در این مورد میگوید : " این سازمان و سا ثل و دستگا های معظمی دار که میلیاردها دلار ارزش دارد ... از آنها میشود برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی استفاده کرد . "

(آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین ۵۸)
وقتی جاسوسها و عوامل وابسته به امیریا - لیبسم خود در اسارکانها و سازمانهای دولتی باشند ، با سازی سا واک بنه بهانه کنترل جاسوسان جزیری سرکوب نیروهای انقلابی معنی دیگری میتواند داشته باشد !؟

هموطنان مبارز !
گفته‌های امیرانتظام را در مورد کارگران نیروهای انقلابی ، عناصر ضد انقلابی ، سازمان - ی سا واک و ... با گفته های افرادی چون - مدنی ها ، بزدهها ، چرانها ، شاکرها ، و بهشتی ها و ... مفا بسد کنید ، در بسیاری موارد آنها را شبیه بهم می یابید! زیرا اینها همه ، مهره های سیستمی هستند که برای ترمیم زخم - هائی که امیرالیبسم در جریان قتل امیرما - تانه بهمن ماه برداشته کوشش میکنند ، اینها همه تلاش میکنند تا بندهای ثل نده دست و پای زحمتکشان و میهمان رادوباره محکم کنند و گرنه بصحبت نیست که آقایان بازرگان باس از آنهمه خیانت و سهج گرفتن خوسهای ساک شهیدان دوبا ره دشواری انقلاب ظاهری - شود و کمتر بزدی ما مورسندی سکا سا ب مردم میگردد!

میگوئیم دستهای نوظئه گران خائسین - بخلقهای میهمان را هر چه بیشتر روکسیم .

بقیه از صفحه ۲۰

سبا دادستان ...
آبماری کرد ، اگر چه رژیم شاه مدعی شد که او در نتیجه حمایت "تیر هواسی" شهادت رسیده است ولی اطرافیان او شهادت را نتیجه یک ترسور سیاسی و برپا مه بزبی شده میدانند . آنها بهمین جهت در صدد تسکیری قائل برآ مدند و در اسار - راطه " ستوان حسن گل نان " و " مرهف حسن شاه بیگی " را به " دادگاه انقلاب " تحویل دادند . اما بعدها منحنی شد که در جریان محاکمه " شاه بیگی " از او با جوئی های لازم در رابطه با شهادت استادان الهی بعمل نیامده و هم - چنین " گل نان " را از زندان آزاد نموده اند . این امیرا اعتراض شدیداً ستادان مبارز و خا - نواده و رو بر و شد و دادگاه تنها قول رسیدگی مجدد به پرونده شاه بیگی و دستگیری " گل نان " را داد . یکی از همزمان او با تکذیب بر اینکه " ما معتقد نیستیم خون نجات الهی رنگین تر از سایرین است " میگوید که " مرا جهت محاکمه قائل با قاتلان او فقط جنبه انقلابی آنست و لا غیر . نکته جالب توجه اینست که " دادگاه انقلاب " به دانشگاهیان و خا نواده نجات الهی سفارش کرده است " در حال حاضر که حسن گل نان دستگیر نشده بهتر است مسئله سکوت بماند و در مراسم از قاتلان نامی برده نشود ! " اما بخوبی معلوم است که این جزئوتی های برای با بمال کردن خون این شهید خلق نیست !

با داین مبارز شهید را گرامی می یادیم و با خا نواده و وودانگهان مبارز و همبزمش اعلام همدردی و همبستگی میسازیم .



گرامی باد خاطره هفت شهید، از جنبش انقلابی خلق!

حبری مورچه، دی ماه ۱۳۵۵ عنوان نموده است که (طبق اطلاعات موفقی که از سوی نیروهای مبارز بدست ما رسیده است و همجنس برخی نتواند و علائم دیگر، نیروی نهادی که در سال ۱۳۵۲ سنجو مشکوک از زندان فرار کرده است، یکی از عناصر فعال ساواک می باشد.)

در جای دیگر همین سربزه آمده است کسبه (درگیری گروه ۲۰ نفری نالینس در سارنج ۱۳۵۵/۹/۳۰ مربوط به هفتم حرا می باشد و نیروی نهادی نهاد آن دنت دانده است.)

در حالیکه در سارنج بهمن ۱۳۵۵ در صفحه ۳ بولتن دفاعی سازمان دانشجویی سازمان انقلابی در خارج ارکسور اسیروس نهادی بعنوان یک مبارز مادی و انقلابی نام برده شده است.

علاوه بر این سواهدی موجود است که سازمان انقلابی در مورد ما نهاد اس خود مورچه سینه نهادی موضع مشخص وفاظلی اخذ نکرده، بلکه در این خصوص وساری موارد دیگر کور ران بر حجاج داده است. در شهریور ۵۷ پس از مدتها اساکری عناصر مبارز و رفع هرگونه تک و تردید در مورد ما نهادی بلیسی اس شخص سازمان انقلابی در شماره ۲۲ ارگان خود (سارنج) نالینس تقیه در صفحه ۱۹

منتسب سازند. غافل از اینکه مدتها است که مجتاز باز شده است. در پاسخ به عمل ایورو - سینی "سازمان انقلابی" ما، داده، این نهاد اطلاعاتی منتشر ساخته اند که در خواست خودشان در اینجا نقل می کنیم:

چگونه سومین سالگرد شهیدای ۳۰ آذر مورد بهره برداری فرصت طلبانه قرار می گیرد

در روز ۳۰ آذر ۱۳۵۵، هفت تن از فرزندان خلق ایران که در رابطه با توطئه خاشاکه و سنگین (ساواک - نیروی نهادی) در یک درگیری مسلحانه، نابرابر در خیابان ونسوی تهران جان خود را داد. راه با داری و ادامه جنبش انقلابی ایران فدا نمودند و با سارحون خود ما هیت کشید نیروی نهادی رهبر "سازمان آزادیبخش خلقهای ایران" را افشا نمودند و از وارد آمدن ضربات بیشتر به ما سار گروهها و سازمانهای مبارز جنبش انقلابی مانع شدند.

اعلامیه ها و اطلاعاتیه ها شیکه بعد از قاجعه ۳۰ آذر توسط سازمانها و گروههای مبارز در رابطه با ما هیت نیروی نهادی توریس گردیده است. تنها ما با موضع بسیار مشخص نقشی خاشاکه، این مزدور را مطرح نموده اند. از جمله سازمان مجاهدین خلق (م.ل) در نشریه

۳۰ آذر ماه معاد بود با سومین سالگرد هفت تن از فرزندان انقلابی خلق. رفقای شهید: مسعود ماری، ما هرخ فعال، حلال دهقان، رحیم شکر، حسن زکی زاده، مینا رفیعی، محمد علی پاریا و از جمله دلآوران بود که در سالهای سیاه دیکتا توری شاه و سلطه، تمام و کمال امپریالیسم آمریکا، با خطر آرمایان زحمتکشان مبارزه کردند و سرانجام در تاریخ ۳۰ آذر ماه سال ۵۵ در جریان توطئه ساواک - سیروس نهادی خاشاکه، قلبهای ما مالامال به عشقشان به توده های ستمدیده، از حرکت باز ماند. اما خاطره آنها همواره در با دلخفایمان باقی خواهد ماند و راهی را که آنها و تنما شهیدای خلق پیموده اند، تا به آخر پیموده خواهد شد.

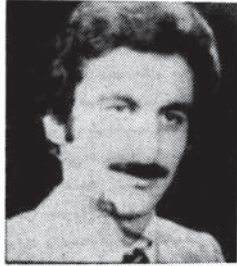
گرامی ستاد یاد همه شهیدای راه آزادی و استقلال

درومین سالروزها دت هفت رفیق فوی - الذکر مراسمی از طرف خانواده، این شهدا در روز جمعه در بهشت زهرا برگزار گردید.

روزیونیست های "سازمان انقلابی" که همواره سعی می کردند نیروی نهادی خاشاکه را تیرش کنند و از طرف دیگر رابطه خود را با این شهدا انکار کنند، امروز دست به عملی بس ایورتونیستی و شیادانه زده اند. آنها کوشش می کنند این رفقای شهید را به نوعی به خود

توطئه و اتهام علیه مجاهدین خلق را محکوم میکنیم

اسرورها ارتجاع، حملات ردیانه، خود علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را شدت بخشیده است. این سازمان که در مبارزات ضد - امپریالیستی و دموکراتیک منهن ما مجاهدات ما دقانه ای داشته است طی ماههای گذشته در معرض آنها مهاد و توطئه های گوناگون قرار گرفته. اما همچنان بر بسیاری از مواضع مترقی و دموکراتیک خو، همعدا با دیگر نیروهای مترقی جامعه پای فشرده است. جمله مداوم و آشکار یابینان عوامل ارتجاع به این سازمان تنها در رابطه با همین بافتاری قابل فهم است. ما توطئه های ارتجاع و عمال امپریالیسم علیه این سازمان را قاطعانه محکوم می کنیم و حمایت از این سازمان مترقی را در مقابل بورژوازی ارتجاع، وظیفه کلیه نیروهای ملی و مترقی می دانیم.



بیاد استاد کاهران نجات الهی شهیدی از دانشگاه، ستاره ای از سنگر آزادی

"می میرم از اشتیاق آتش گرفته می میرم بدار آویخته می میرم بسمل شده می میرم لیک، نگویم هرگز: گذشت عشقان، بیایان یافت عشق ما نمی میرد.

(یک شاعر فلسطینی)

هنرمند کاهران نجات الهی استاد شهید دانشگاه، فرزند خلف خلق قهرمان گردید. او در سال ۱۳۳۴ در سیجا رمتولد شد. طی دوران تحصیل و پس از آن با روح جستجوگرو احساس مسئولیتی که نسبت به سرشود توده های زحمتکش منهن خود داشت، با ادبیات ما رگیمیستی آشنا شد و همگام با رشد او و جگری مبارزات توده ای علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و رژیم دیکتاتوری شاه، بعنوان یک انقلابی متعهد به صورت شرکت فعال در مبارزه خلق پی برد و از هر طریق که برایش

امکان داشت اقدام سودو با تکسیر و بحث اعلامیه های مخفی بر علیه رژیم و استه شاه و آرپا با امپریالیست او به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و در انتشار نشریه "همسنگی" ارگان سازمان ملی دانشگاهیان در دوره اختناق نقشی موثر داشت. او در تحم دانشگاهیان مبارز در محل دبیرخانه دانشگاه و سپس در وزارت علوم و فناوری اطلاعات شرکت نمود و در یکی از روزهای تحصی (پنجم دیماه) بود که در نتیجه آتشباری چکه پوشان شاه، خون پاکش بر زمین ریخت و درخت آزادی زحمتکشان منهن ما را تقیه در صفحه ۱۸

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر